

جامعه انقلابی ایران طبقه کارگر را فرامیخواند!

کارگران با پرچم دستمزد مکفی و رفاه همگانی بمیدان بیائید!

اعلامیه حزب حکمتیست

در باره منشور مسالمت جویان کودتاجی علیه انقلاب

دروود بر زنان و مردان انقلابی

اینروزها هر جا و همه جا حجاب اسلامی را به آتش بکشید!

منشور ارتجاع پروغربی علیه مردم

گفتگوی تلویزیون پرتو با رحمان حسین زاده

منشور ضد انقلاب اصلاح طلب برای دولت انتقالی

صفحه ۷

سیاوش دانشور

گفتگو با آکسل پرسون در باره اعتصاب بزرگ در فرانسه

رژیم در مانده و زبون، سپیده انقلاب!

پروین کابلی

اطلاعیه های شورای همکاری

نیروهای چپ و کمونیست

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

در یک نگاه

رحمان حسین زاده

امروز فقط تفرقه!

بازهم در باره اپوزیسیون راست ایران

سیاوش دانشور

یادداشتها،

گرامیداشت جانبختگان

در شهرهای مختلف ایران

۶۹۰
مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۲۶ اسفند ۱۴۰۱ - ۱۷ مارس ۲۰۲۳

شادباشی سال نو

ایران ۱۴۰۱ نه فقط برای مردم ایران بلکه برای مردم جهان مهم و مورد توجه بود. خیزش انقلابی زن محور دنیا را تکان داد و منشاء امید و تغییر شد. مبارزه شکوهمند و انقلابی زنان و مردان و نسل جدید انقلابی افقی را گشود که بهار امسال برای بسیاری بوی بهار آزادی را میدهد.

در شش ماه گذشته جان های شیفته زیادی از دست رفتند، هزاران انسان آزادیخواه و شرافتمند اسیر و شکنجه شدند، اما کمر جامعه انقلابی و خواهان تغییر نشکست و تسلیم نشد. در روزهای آخر سال با سوزاندن حجاب و فریادهای "ما برگشتیم" و همدردی انسانی با خانواده های جانبختگان نشان دادیم که تمایل برای تغییر هر منفذ جامعه را دربرگرفته است. تردیدی وجود ندارد در این نبرد سرنوشت ساز ما پیروزیم و حکومت کودک کش و آزادی کش اسلامی رفتنی است.

بگذار ارتجاع اسلامی و بانیان فقر و فلاکت عمومی از اتحاد و عزم انقلابی ما برخورد بلرزند و زوزه بکشند، ما اما موظفیم زخم هایمان را التیام دهیم، سنگرها را محکم تر برپا کنیم، سهمگین تر بمیدان بیائیم و کار ناتمام را تمام کنیم. باشد که سال نو، سال بگور سپردن رژیم اسلامی، سال انقلاب و سال تغییرات سترگ باشد. تازه شدن طبیعت و سال نو را به شما شادباش میگویم.

سیاوش دانشور

۲۶ اسفند ۱۴۰۱ - ۱۷ مارس ۲۰۲۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

امروز فقط تفرقه!

بازهم در باره اپوزیسیون راست ایران

سیاوش دانشور

در دوره انقلابی جاری به لطف رسانه های قلم بمزد با شگفتی های جدید و بدیعی روبرو شدیم. دیگر بی بی سی صاحب امتیاز در ماه نشانند خمینی نماند، ایران اینترناشنال و من و تو با نورپردازی مدرن و جعل خبر گوی سبقت از بی بی سی ربودند. رهبر تراشی، از کاه کوه ساختن، بمباران افکار عمومی با روشهای "مدرن" و "علمی"، شکنجه گر شوئی، تربیون دادن به فاشیستهای متعصب تر از خشکه مقدس های ذوب در خامنه ای، سلبریتی بازی و شخصیت سازی کاذب؛ همه قرار بود با منطق چوپان- رمه از کلاهشان یک خرگوش در بیابورند و به نسل فهیم بپاخاسته ایران بعنوان "رهبر" و "رهبری دوره انتقالی" بفروشدند. نمایش برآستی تهوع آوری که حول یک توثیت، یک نشست، یک دیدار با جنایتکارترین نهادهای بین المللی و فاسدترین عناصر وزارت خارجه آمریکا راه افتاد دیدنی بود. با پول بیحساب دولتهای غربی و عربستانی که با شمشیر گردن میزند، چیزی شبیه گردان آروف در اوکراین را به خیابانهای اروپا آوردند تا دلک هائی مانند زلنسکی و آنگ سان سوچی ایرانی را به مردم انقلابی بجای "رهبری" بفروشدند. بطور عجیبی یک این همانی بین ایران و اوکراین روی صحنه آمد تا شاید سیاست اوکراینیزه کردن ایران رگ طمع میلیتاریست های دست به ماشه را غلغلک دهد. در کنار این سریال مزبور پروری، ناگهان طیفی "مفسر" و "متخصص" تاکنون ندیده و نشناخته بیسواد با تایتل های عجیب ظهور اجلال فرمودند تا جنس این ویتترین جور باشد.

در سیاست واقعی از کلی گوئی، حرفهای پخمه و وعده های کشیمنی و بی خاصیت که نمونه اش در این دوره ها به وفور وجود داشته است، نتوانستند فراتر بروند و البته قصد نداشتند با وعده بیخود چهره خود را نزد خریداران اصلی مخدوش کنند. برای نوکری بانک جهانی و لیگ بزرگ سرمایه دارانی که سیاست دولتها را تعیین می کنند به هر دری زدند. دالانهای حاشیه کنفرانس هالیفاکس و مونیخ و یا کاخ سفید و الیزه و پارلمان اروپا، تنها گوشه ای از بند و بست و قرار و مدارهایی بودند که قرار است بعدتر به گوش "عوام الناس" برسند. شعار و جهت سیاسی شان را روی طول موج پوپولیسم راست تنظیم کردند و با "امروز فقط اتحاد" حول فاشیستها عده ای مفلس و ورشکسته سیاسی در طیفهای راست و چپ را دنبال خود کشیدند تا در پیچ بعدی آنها را با سر بر زمین بکوبند. خرده ریزهائی که هیچوقت درس نمیگیرند و هر بار بیشتر تا گردن در این لجنزار فرو میروند.

نمایش تمام شد، ببینیم نتیجه "امروز فقط اتحاد" چه شد. اول، خارج کشور و مردمی که دل به سیاست داده بودند و با هر روایتی علیرغم تکثر عقایدشان علیه جمهوری اسلامی بودند را پاشاندند. با فالانترسیم مفرط به موجی از بی اعتمادی سیاسی و سرخوردگی دامن زدند. دوم،

خودشان را تا اطلاع ثانوی نابود کردند. تعجب نکنید، خروجی این کلاهبرداری سیاسی همین است که می بینید؛ امروز فقط تفرقه! انگار رضا پهلوی در نسخه دوم "ماموریتی برای وطنم" کارش این بود که نارنجکی میان ائتلاف شکننده و با سریش بهم چسبیده از طیف متلون اسلامی- اصلاح طلب- فاشیست- ناسیونالیست از عظمت طلب تا قومی و جمهوریخواه ملی بیاندازد و به آحاد

اولیه تجزیه شان کند! با منشوری که روی لایبسم و قبولاندن خود با نهادهای سرمایه جهانی و مشتکی حرف بی سر و ته از اتاق ها فکر حضرات بدنیآ آوردند، آنچنان جنجال و انشقاقی در صفوف اپوزیسیون راست راه افتاد که جمهوری اسلامی نتوانست با چند دهه تبلیغات و طرحهای اطلاعاتی و سرمایه گذاری به آن نائل شود. اردوی راست عظمت طلب، سلطنت طلبان، فاشیستها و ناسیونالیست ها را ببینند. به اوضاع "شورای مدیریت گذار" و "مرکز همکاری احزاب کرد" نگاه کنید. خالی شدن باد رسانه هائی را ببینید که کارشان پخش مستقیم سفرهای رضا پهلوی و غش و ضعف هوادارانش با بکگراند سرودهای ملی و میهنی بود. همه دود شدند و هوا رفتند و "اتحاد" ادعائی دیروز جایش را به فحش و فضحیت امروز داده است.

و بالاخره آوار این اوضاع برسر مونتلفین و مسافران "توبوس" از جمله جناح چپ پوپولیسم هم میریزد. امثال "حزب کمونیست کارگری" هر چه گفتند و نوشتند را باید شبانه از پنجره دنیای کوچک شان به زباله دانی سرکوپه بریزند. معلق زدن یک شبه هم کفایت نمیکند. در سیاست هرکسی باید مسئولیت آنچه میگوید و آنچه انجام میدهد را بعهده بگیرد. کسانی که با هر تئوری و ارزیابی بنام "کمونیس‌ت" و از سوراخ "تاکتیک" و "رهبری" کردن، اهداف طبقه کارگر را پای دست راستی ترین نیروها و نوکران بانک جهانی قربانی میکنند، نمیتوانند مثل کبک سرشان را زیر برف کنند و فکر کنند قابل دیدن نیستند. بحث برسر تز و تئوری و حتی تاکتیک به معنی اخص کلمه نیست، میتوان در دیدگاه و تحلیل اختلاف داشت، میتوان تاکتیک های متفاوت داشت، اما تاکتیک که در خدمت اهداف سوسیالیستی و انقلابی نباشد بدون تردید در خدمت اهداف بورژوائی و ضد انقلابی است حتی اگر گویندگان و عاملین آن خود متوجه نباشند. پوپولیسم چپ و راست در دوره جاری ورشکست شدند.

در دوره انقلابی دفاع بی ابهام از استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر و اهداف کارگری نقطه عزیمت هر کسی باید باشد که خود را با هر روایتی سوسیالیست و کمونیست میداند. هر کسی با هر تئورینی که از خود دارد، آنجا که آنتی کاپیتالیسم شفاف جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر را درز میگیرد و با هیجانان پوپولیستی و شعاری میخواد سری در میان سرها دربیابورد، تنها بازنده دامچاله خویش خواهد بود، بلکه با راه باز کردن برای نیروهای بینابینی و راست به چشم جنبش واقعی و جاری طبقه کارگر و رهبران اصیل برآمد انقلابی خاک می پاشد.

۱۷ مارس ۲۰۲۳

مرگ بر جمهوری اسلامی!

هستیم که هر روز صدها میلیون دلار هزینه فساد و تروریسم و آخوند و صنعت اشاعه خرافات مذهبی می کند اما برای طبقه کارگر "سید خانواده کارگری" در نظر میگیرد. کشمکش جاری در ایران برسر نفی این آپارتاید طبقاتی و فلاکتی است که توسط طبقه حاکم به دهها میلیون کارگر و خانواده هایشان تحمیل شده است. نقطه عزیمت ما حق بی چون و چرای همه ساکنین کشور برای برخورداری از یک زندگی مرفه و انسانی است.

در اوضاع کنونی و تشدید بحران حکومتی و برآمد توده ای و انقلابی، در شرایطی که سرکوب و فقر و فلاکت اقتصادی محور سیاستهای سرمایه داری ایران است، کارگران راهی جز در هم کوبیدن این نظام ندارند. دهها میلیون نفوس طبقه کارگر و محکوم شده به زندگی زیر خط فقر و بخشا خط فقر مطلق و خط مرگ، راهی جز زیر و رو کردن این اوضاع و بدست گرفتن ابتکار عمل سیاسی در شرایط ملتهد سیاسی کنونی ندارند. نه رژیم اسلامی و نه بخشهای دیگر بورژوازی در اپوزیسیون راهی برای حل این شرایط فلاکتناز ندارند. کار مزدی و دستمزد هیچوقت نمیتواند "عادلانها" شود، بردگی عادلانه وجود ندارد، برای رفع و بهبود این شرایط اسفناک تنها باید علیه اساس این بردگی و نظم حامی آن بپاخاست.

تنها کارگران و بویژه بخشهای موثر در صنایع مهم میتوانند با اعتراض علیه وضع موجود، با اعتصابات زنجیره ای و رشته ای و فراکارخانه ای در صنایع و مراکز تولیدی و خدماتی، با برافراشتن پرچم دستمزد مکفی و رفاه همگانی توده های دهها میلیونی کارگران و زحمتکشان شهری را بمیدان بکشند، معادله سیاسی را تغییر دهند و به رهبر خیزش انقلابی جاری ارتقا یابند. از نظر عملی، دخالت موثر طبقه کارگر در روند سیاسی کنونی علیه فقر و فلاکت اقتصادی، تنها با عمل مستقیم کارگری و متکی شدن به سنت شورائی ممکن است. تنها کارگران میتوانند با اتکا به نیروی لایزال و قدرتمند خود میسر دستمزد مکفی و حقوق پایه جوابگوی تامین هزینه های یک زندگی انسانی برای اکثریت عظیم نیروی کارکن شوند. تنها طبقه کارگر میتواند با پرچمی فراگیر جلوی صفوف مبارزه انقلابی برای آزادی و برابری و رفاه قرار گیرد و پیروزی جنبش انقلابی را تضمین کند.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست بخشهای مختلف طبقه کارگر را به دخالت در روند جاری و بدست گرفتن ابتکار عمل سیاسی و برپائی شوراها بمثابه ارگانهای اعمال قدرت کارگری فرامیخواند. کارگران میتوانند و ناگزیرند برای بقای خویش از روی لاشه متعفن حکومت اسلامی این حافظان جنایتکار نظم آبروباخته سرمایه داری عبور کنند. جامعه انقلابی ایران به طبقه کارگر چشم دوخته است!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۴ اسفند ۱۴۰۱ - ۱۵ مارس ۲۰۲۳

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و

کارگری را همه جا ایجاد کنید!

جامعه انقلابی ایران طبقه کارگر را فرامیخواند!

کارگران با پرچم دستمزد مکفی و رفاه

همگانی بمیدان بیاید!

جامعه ایران دستخوش تحولات زیر و رو کننده انقلابی است و رژیم اسلامی هر روز به سطح زندگی و تلاش طبقه کارگر برای بهبود و تغییر تعرض میکند. در شرایطی که اکثریت عظیم نیروی کارکن به بردگی و دستمزدهای چند بار زیر خط فقر محکوم شده است، رژیم اسلامی برای جبران کسر بودجه و بحران و فلج اقتصادی، زیر پرچم خونین "مولد سازی" به تاراج اموال عمومی و تشدید خصوصی سازی مراکز تولیدی و خدماتی و آموزشی شدت بخشیده و سیاست بیوقفه ارزان سازی نیروی کار را در کنار سرکوب خشن اعتصابات رو به رشد کارگری در خدمت تامین سود بیشتر سرمایه داران قرار داده است.

تنها در یکسال گذشته ارزش مزد دریافتی کارگران بطور متوسط بیش از پنجاه درصد سقوط کرده و تورم و گرانی بالای جان مردم شده است. سیاست چاپ پول و تورم لجام گسیخته در کنار تبعات سهمگین شناور کردن نرخ دلار، چند نرخ کالاها اساسی و گرانی را ساعتی کرده است. "افزایش" حداقل دستمزد ۵۷.۴ درصدی سال ۱۴۰۱ با متمم های "دستمزد توافقی" و "دستمزد منطقه ای" در عمل به افزایش ۱۰ درصدی تنزل یافت و با سیاست شوک اقتصادی و افزایش نرخ عملهای انرژی دستمزد دریافتی کارگران باز هم کاهش یافت. سیاست ارزان سازی مستمر نیروی کار بموازات ناامنی شغلی، کار پیمانی و قراردادهای موقت، بیکار سازی، ممنوعیت تشکل و تحزب کارگری و گسترش استبداد در کل جامعه، طبقه کارگر و اکثریت عظیم جامعه را به فقر و فلاکت محکوم کرده است.

بر اساس مصوبه کمیسیون تلفیق لایحه بودجه، دستمزد کارگران و حقوق کارمندان در سال ۱۴۰۲ با افزایش اسمی ۲۰ درصدی، ۷ میلیون و ۹۲۰ هزار تومان خواهد بود. این در حالی است که میانگین خط فقر در سال ۱۴۰۲ بالای ۱۸ میلیون و در کلان شهرها بالای ۲۰ میلیون تومان است. بیش از ۶۵ میلیون نفر از جمعیت ایران زیر خط فقر قرار دارند و هر روز شکاف طبقاتی و تفاوت درآمدها بیشتر و به یک گسست تمام عیار طبقاتی و بیسابقه بدل شده است. روشن است همین شندرغاز "حداقل دستمزد" مشمول بخش مهمی از نیروی کار نمیشود، بیش از ۲۰ میلیون حاشیه نشین و بیکار و از کار افتاده، عمده نسلهای قبلی نیروی کار و بازنشستگان، کارگرانی که در منازل و یا در واحدهای تولیدی زیر ده نفر کار میکنند، و یا مناطق آزاد تجاری مشمول همین حداقل دستمزد و افزایش اسمی ۲۰ درصدی نخواهند شد. فریادهای روزمره کارگران برای همسان سازی حقوقها و طبقه بندی مشاغل و تغییر پایه حقوق، برای جبران بخش کوچکی از فقر تحمیل شده و جنگ روزمره با غول فقر و گرانی است.

محاسبه حداقل دستمزدها بر اساس میزان نرخ تورم و یا با شاخص خط فقر، سیاست ما و کارگران کمونیست نیست. ما مخالف قاطع نظامی

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

اعلامیہ حزب حکمتیست

در بارہ منشور مسالمت جویان کودتاچی علیہ انقلاب

از نظر روش ادامه سیاست وکیل الرعایا و لابیسم در پارلمانها و نهادهای دول غربی است که اگر این سیاست جواگو بود تاکنون سازمان مجاهدین دستش بجائی بند شده بود. این منشور ارتجاع است که امیدوار است جمهوری اسلامی را دست نخورده با نهادهای مذهبی و نظامی و اطلاعاتی تحویل بگیرد و علیہ انقلاب بکار بندد. این منشور مدافعان توحش بازار آزاد و نوکران بانک جهانی است که آگاهانه در دفاع از نظم پوسیده سرمایه داری جست و خیز می کنند. این منشور کمترین ربطی به آزادی و برابری و رفاه و تامین و تضمین حقوق پایه شهروندان و در هم کوبیدن بنیادهای تبعیض و ستم و استثمار که مردم علیہ ان پیاخاسته اند ندارد. این منشور ضد انقلاب در یک دوره انقلابی برای اعاده نظم است. این منشور بحدی آبکی و از اوضاع واقعی پرت است که حتی توجه رسانه های مزدور و هواداران دو آتشہ رضا پهلوی را جلب نکرد. انتظاری بیشتر از کمپ راست ایران توهم است، اما این منشور نه فقط مبنائی برای "همبستگی و سازماندهی" نخواهد شد بلکه موجبات انشقاق و قطبی شدن بیشتر صفوف نیروهای اپوزیسیون راست و بورژوائی ایران را فراهم میکند.

زنان و مردان آزاده، کارگران!

انقلاب امر انقلابیون است. انقلاب برای نفی حکومت و نظم کنونی و کلیہ ارکانهایی است که وضع موجود را بازتولید میکند. پرچم انقلاب اجتماعی و آنتی اسلامیستی را برافراشته تر نگاهدارید، سنگرهای انقلاب را مستحکم کنید، حول برنامه سوسیالیستی آزادی جامعه و ارگانهای عمل مستقیم توده ای و کارگری متشکل شوید. مرتجعین و فرصت طلبان و دشمنان انقلاب را از صفوف خود طرد کنید!

حزب کمونیسٹ کارگری ایران- حکمتیست

۲۱ اسفند ۱۴۰۱ - ۱۲ مارس ۲۰۲۳

انتشار "منشور همبستگی و سازماندهی برای آزادی" توسط رضا پهلوی، حامد اسماعیلیون، نازنین بنیادی، شیرین عبادی، عبدالله مہندی و مسیح علیزاد، آب سردی بود که روی سر ادعاهای واهی و تبلیغات پوکی ریخت که از ژانویہ امسال خوراک رسانه های قلم بمزد شده بود. منشوری بشدت کلی، بی محتوا، اسلام زده، ارتجاعی و ضد کارگری، ضد تمایلات واقعی جنبش انقلابی در ایران که حتی کمترین نیروهای اردوی اپوزیسیون بورژوائی ایران را راضی نکرد و شکوائیہ ها از هر سو بگوش میرسد. این منشور سلطنت طلبان و ساواکی ها را دپرس کرد، راستهای امیدوار به رضا پهلوی را که مرتب از وی "بعنوان سرمایه" نام می بردند در هم ریخت، اردوی ناسیونالیسم قومی را بیش از پیش متشتت و به واکنش انداخت و شکافها در اردوی کمپ راست ایران را تشدید کرد. رضا پهلوی و عبدالله مہندی بعنوان نمایندگان ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و ناسیونالیسم قومی روی فرمولهایی به سازش رسیدند و همزمان هردو به روایتی اصلاح طلبانه و ضد انقلابی و در تناقض کامل با سیر اوضاع سیاسی تن دادند با این امید که دل اصلاح طلبان و میرحسین موسوی و "آخوندهای خوب" و دستگاه اسلام را بدست بیاورند. کسانی که در دوره انقلابی از "فرآیندی مسالمت آمیز" سخن میگویند، ضد انقلاب و کودتاچیان علیہ انقلاب و عمل انقلابی اند. این محاسبات و مانورها فقط در دنیای تنگ و محدود کاسبان سیاسی معنی پیدا می کند.

منشور از نظر مضمون هدفی جز قبولاندن خود به دولتهای غربی ندارد.



پیام دفتر مرکزی حزب حکمتیست بمناسبت درگذشت صالح احمدیان

با کمال تاسف و تأثر فراوان اطلاع یافتیم که رفیق صالح احمدیان از کادرهای هسته اقلیت بعد از مدتی بیماری روز جمعه ۱۰ مارس ۲۰۲۳ در نروژ درگذشت.

رفیق صالح احمدیان در منطقه کهکیلیوہ بدنیا آمد و بسیار زود با سازمان دانش آموزان پیشگام در دوره انقلاب ۱۳۵۷ فعالیت خود را آغاز نمود و پس از انشعاب در سازمان چریکهای فدائی خلق به هسته اقلیت پیوست و بعد از ترک ایران در پاکستان و بعداً در نروژ در شهر اسلو به یکی از فعالین شناخته شده کمونیسٹ تبدیل شد و از نمایندگان هسته اقلیت در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیسٹ بود.

حزب کمونیسٹ کارگری ایران - حکمتیست ضمن اظهار تاسف از درگذشت این رفیق گرامی، به اعضای خانواده و رفقایش در هسته اقلیت تسلیت می گوید و یاد و راهش را در راه تحقق آرمانهای انسانی گرامی میدارد.

دفتر مرکزی حزب کمونیسٹ کارگری ایران- حکمتیست

۱۵ مارس ۲۰۲۳

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

منشور ارتجاع پروغری علیه مردم

گفتگوی تلویزیون پرتو با رحمان حسین زاده

امیر عسگری: عاقبت منشور وعده داده شده رضا پهلوی و شرکایش منتشر شد. ابتدا ارزیابی کلی شما را از این منشور بدانیم؟

رحمان حسین زاده: علیرغم فضا سازی از قبل و پروپاگاندا وسیعی که راه انداختند، اما منشورشان بسیار بی رونق متولد شد. سندی است انباشته از کلی گویی و تناقضات ناشی از حضور ترکیب ناهمگون سازش کرده با هم و البته اساساً متأثر از سیاست ناسیونالیسم ایرانی پروغرب و به درجه ای کدهایی را از فدرالیسم کرد در آن وارد کرده اند. عبارت پردازیهای فریبکارانه از دید هر فرد آشنا با فضای سیاسی ایران بیمایگی این سند را برملا میکند. به ناحق اسم "مهسا" را بر آن گذاشتند. در صورتی که نقطه عزیمت و اهداف ناظر و احکام و خواسته هایی که در آن طرح شده، دقیقاً در ضدیت با توقعات و خواسته ها و شعارهای مطرح شده در خیزش انقلابی چند ماهه اخیر بعد از مرگ مهسا امینی عزیز است. این پلتفرم بخشی از آلترناتیو راست ارتجاعی پروغرب در مقابل خیزش انقلابی و علیه منافع مردم و تماماً ضد هر تحول انقلابی است. همانطور که بارها گفتیم جریانات راست در مقابل روند انقلابی و هر تحرک انقلابی سد معبر و مانع ایجاد میکنند. کنفرانس "جرج تاون" و منشور نیمه مرده متولد شده یکی از این حربه ها است. بخش اول منشورشان که قطب نمای اصلی سند است، برای دربیوزگی و کرنش در بارگاه دولت آمریکا و دولتهای اروپای غربی تدوین شده است. پاشنه آشیل منشور راستها یک علت دیگر هم دارد که من در یادداشتی هم نوشتم "نزول" "باد خالی شده" "حباب منشور راستها را در واقعیت دیگری هم باید دید. آن هم این واقعیت که قبلتر و به معنای واقعی کلمه از داخل "منشور مطالبات حداقلی تشکلهای صنفی و مدنی" زیر پای "منشور راستها" اعم از مشروطه خواه و جمهوریخواه و فدرالیست را خالی کرده بود. امروز هر فعال سیاسی و یا ناظر منصف میتواند، "منشور آن هم حداقلی" با قبول محدودیتهای متعدد داخل کشوری، تازه از جانب "نهادهای و تشکلهای صنفی و مدنی" و نه احزاب ماکسیمالیست چپ مثل ما که صاحب مانیفست جامع "دنیای بهتر" هستیم را با منشور حداکثری شش خودگمارده راستها مقایسه کند، تا بی تردید ببیند چه فاصله عمیقی بین این دو منشور وجود دارد، تا متوجه شوند که منشور حداقلی نهادهای صنفی و مدنی مربوط به نیروی اعماق جامعه درست نقطه مقابل منشور حداکثری راستها قرار گرفته است. پاشنه آشیل منشور راستها نه فقط ارائه شده از جانب شش خودگمارده، بلکه ارائه شده از جانب "پنج حزب و سازمان جمهوریخواه" در روز نهم مارس هم وجود منشوری حتی حداقلی از قطب چپ جامعه است. انتشار از قبل و به موقع منشور حداقلی نهادهای و تشکلهای صنفی باد منشور راستها را خالی کرد و همین اهمیت اصلی منشور حداقلی نهادهای و تشکلهای را در جدال راست و چپ جامعه توضیح می دهد.

امیر عسگری: ماهیت طبقاتی و سیاسی منشور جریانات راست را چگونه ارزیابی میکنید؟

رحمان حسین زاده: منشور اپوزیسیون بورژوایی برای حفظ نظم

استثمارگر و ستمگر سرمایه داری است. سند این شش نفر خودگمارده جریانات راست هم از این قاعده مستثنی نیست. سروته این سند و بخشهای مختلف آن از همان بخش اولی که تقلا برقراری رابطه با قدرتها و دولتهای کاپیتالیستی غربی را قطب نمای خود قرار داده، تا آنجا که از اقتصاد و سیاست و حقوق و فرهنگ و قوانین صحبت میکند، به ویژه آنجا که به حفظ "ارتش

عزیزشان" و جاسازی کردن سپاه ساداران در درون ارتش و حیل گرانه آن را ادغام مینامند و آنجا که به روشنی در مقابل درهم کوبیدن کلیت حکومت سرمایه داری اسلامی هستند، به وضوح دغدغه اینها حفظ ارکان سرمایه داری در ایران و تلاش آنها برای جابجایی قدرت از بالا و تغییر چند مهره اصلی جمهوری اسلامی و حذف "ولی فقیه" و به عبث سلطنت طلب ها فکر میکنند به جایش نشانند "ولی سلطنت" با کمک این الوقتیهای چون عبادی و مهدی و مسیح و ... گردآمده در جرج تاون و احتمالاً عالیجنابان "شورای مدیریت گذار" و راضی کردن "جمهوریخواهان" در حاشیه میتوانند حاکمیت سرمایه را تضمین کنند. اینها برای نجات سرمایه داری ایران گرفتار آمده در بحرانهای چند لایه و لاینحل به دست جمهوری اسلامی به ناچاری به موضع اپوزیسیون جمهوری اسلامی به زعمشان "روبنای سیاسی ناکارآمد و ناباب" افتاده اند. در نتیجه ماهیت طبقاتی و سیاسی این منشور در خدمت نجات سرمایه داری و اگر بتوانند احیای دوره دیگری از انباشت سرمایه بالا و جاری کردن استثمار شدید و به کارگرفتن نیروی کار ارزان و البته لازمه اش تحمیل حاکمیت استبدادی است. در نتیجه این منشور تماماً ضدکارگری و ضد حقوق پایه ای مردم ایران است.

امیر عسگری: بخش اول منشور اینها بر ریزنی با دولتهای غربی متمرکز است، آیا این نشانه تمایل شدید آنها به رژیم چنج نیست؟

رحمان حسین زاده: قبلاً اشاره کردم اساس منشور ضد کارگری آنها در همان بخش اول بر دربیوزگی در بارگاه دولت آمریکا و دولتهای غربی است. اما مشکل شان اینست که اولاً به عنوان آلترناتیو قابل قبول به رسمیت شناخته نمیشوند. تشتت درونی اپوزیسیون راست از چشم دولتهای غربی هم دور نمانده و اتفاقاً مضحکه "وکالت گرفتن" رضا پهلوی و شکست آن و مخالفتهای جناحهای دیگر اپوزیسیون بورژوایی با کنفرانس جرج تاون و همین به اصطلاح منشور، موقعیت اینها را نزد دولتهای غربی هم ضعیف کرده است. نکته قابل توجه دیگر اینست که آمریکا و غرب هنوز در فاز سازش و احیای "برجام" با جمهوری اسلامی بسر میبرند. در نتیجه امیدهای اپوزیسیون راست به تغییر رژیم از بالا و به این معنا "رژیم چنج" فعلاً ناکام مانده است. یک جنبه را تاکید کنم، ببینید، آمریکا و دولتهای غربی برای تغییر رژیمهای به نظرشان نامطلوب از بالا (رژیم چنج) طرحها و توطئه ها و آشنه های مختلف را تجربه کرده و در آستین دارند. از جمله کودتا، تقویت و سرکار آوردن جناحی از درون همان هیئت حاکمه علیه جناح دیگر (کاری که با اصلاح طلبان و اعتدالیون آزمایش کردند و شکست خورد) سازماندهی انقلابات مخملی با اتکا به اپوزیسیونهای بورژوایی که در حد کنترل شده ای به اعتراض مردم هم متکی میشوند و نهایتاً اشغالگری

منشور ارتجاع پروغری علیه مردم

گفتگوی تلویزیون پرتو با رحمان حسین زاده ...

کاغذ در عالم واقع نمیتواند جنبه اجرایی پیدا کند. در نتیجه این منشور و سازش این دوطرف ادامه کاری نخواهد داشت و قبلا گفتیم همین الان ناکامی این پروژه عیان است.

امیر عسگری: این منشور میتواند جریانات راست را متحد کند؟ آینده اش را چگونه می بینید؟

رحمان حسین زاده: تاکنون نتوانسته و در ادامه هم نمیتواند. این منشور ترکیبی از تمایلات مشروطه خواهی و جمهوریخواهی و فدرالیست خواهی است. اینها جنبشهای مختلف، هر چند دارای فصل مشترکهایی هستند، اما تضادهای جدی هم با هم دارند. فصل مشترک شکننده آنها امید به حمایت دولتهای غربی و پرو غریبی بودن شان و دفاع از نظم سرمایه داری و ظرفیت ضد انقلابی تقابل با تحولات انقلابی بالاجبار آنها را در کنار هم قرار داده است. اما در کش و قوسهای سیاسی پیچیده جامعه ایران اینها دوباره در مقابل همدیگر قرار میگیرند. تازه بخشی از جریانات راست بیرون از دایره جریانات پروغری موی دماغ اینها خواهند بود. در نتیجه به نظم این منشور و جست و خیز راست جرج تاونی نه تنها نتوانسته و نمیتواند چتری برای هماهنگی و ائتلاف جریانات راست، بلکه کارکرد تکنونی آن و در آینده هم باعث انشقاق بیشتر آنها خواهد بود.

امیر عسگری: کارگران و زنان و اساسا قطب چپ جامعه چه برخوردی به منشور راستها لازم است داشته باشد؟

رحمان حسین زاده: با خرسندی میتوانم بگویم، درجه بالای خود آگاهی طبقاتی و سیاسی موجود در جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی رادیکال و در میان نیروهای چپ و کمونیست درس گرفته از تجربه تلخ انقلاب سال ۵۷ باعث شده تاکنون کلیت طرح و منشور و آلترناتیوهای راست جایگاه جدی نزد قطب چپ و سوسیالیستی نداشته باشد. جدایی اجتماعی و تمایز سیاسی قطب چپ و راست را به روشنی در جنبش سرنگونی و خیزش انقلابی جاری می بینیم. این پدیده از اهمیت بالایی برخوردار است. اما ماندن در این سطح پاسخگو نیست، بلکه چه برای انداختن جمهوری اسلامی و چه برای به حاشیه راندن آلترناتیو راست، جنبش کارگری و چپ و کمونیستی باید در قالب آلترناتیو مدعی قدرت سیاسی عرض اندام کنیم. قطب کارگری و چپ و کمونیستی مشکلی در حیطه منشور و پلاتفرم نداریم. از کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست که برنامه جامع دنیای بهتر تا بیانیه مفاد سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و اسناد تاکتیکی پاسخگوی مسائل گرهی جدال طبقاتی و سیاسی جاری را داریم، تا پلاتفرم مشترک نیروهای چپ و کمونیست برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و اکنون منشور حداقلی ۲۰ نهاد و تشکل صنفی و مدنی از داخل، برخلاف منشورها و اسناد ضد کارگری و ضد مردمی جریانات راست، انطباق بسیار بالا و دقیقی با توقعات و خواسته های طبقه کارگر و مردم و زنان و نسل جوان جامعه ایران دارد. براین اساس اکنون مقطع اعمال رهبری و سازماندهی جنبش رادیکال و اجتماعی برای سرنگونی کامل جمهوری اسلامی و بنیاد گذاشتن حاکمیت کارگری و شورایی اجرا کننده منشورهای انقلابی و رادیکال است. این رسالتی است که بر دوش رهبران و پیشروان کمونیست جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی رادیکال و به علاوه جریانات کمونیست و از جمله حزب کمونیست کارگری حکمتیست است. تمام تقلا ما اینست پاسخگوی این رسالت تاریخی باشیم.

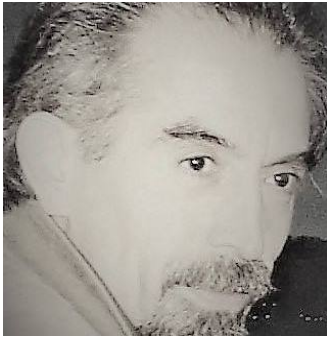
نظامی به نحوی که بعد از پایان جنگ سرد، آمریکا و بریتانیا به عراق لشکر کشیدند و رژیم بعث را ساقط کردند. این مورد آخر عمدتا به "رژیم چنج" موسوم است. چنین روشی به معنای جنگ و لشکر کشی نظامی مشابه عراق و افغانستان و لیبی و یا کودتای نظامی به نظرم اساسا به دلیل شرایط انقلابی و حضور گسترده مبارزاتی کارگران و زنان و جوانان و مردم جان به لب رسیده، در ایران شکست میخورد و فکر نکنم دولتهای غربی هم دنبال آن بروند. با این وصف توطئه ها و طرحهای اپوزیسیون بورژوازی و ارتجاعی در همدستی با قدرتهای ارتجاعی جهانی و دولتهای منطقه نباید دست کم گرفت.

امیر عسگری: به نظر میرسد ترکیب متناقضی از ناسیونالیسم ایرانی و فدرالیست کرد پای اصلی این منشور باشند. آیا امکان ادامه کاری را دارند؟

رحمان حسین زاده: مشاهده شما درست است. دو عنصر اصلی و سیاسی کارترین این جمع ناهمگون اتفاقا رضا پهلوی به مثابه نماد ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و عبدالله مهدی به عنوان نماد خود گمارده فدرالیستها هستند. اتفاقا پاشنه آشیل این جمع همین دو نفر به نمایندگی از ترندهای سیاسی دخیل در این ماجرا است. ناسیونالیسم چه در فرمت عظمت طلب ایرانی و یا فدرالیسم محلی فصل مشترک در تقابل با منافع کارگران و مردم و قطب چپ و یا به پیروی و بیعت از دولتهای غربی دارند، اما در کشمکش بر سر آرایش قدرت سیاسی بورژوازی در ایران تضاد منافع جدی هم دارند. ناسیونالیسم عظمت طلب با کلید واژه "تمامیت ارضی" به سیطره کامل و زورگویانه بر کل کشور و متکی به استبداد خشن و سرکوب و لشکرکشی چشم دوخته است. همان اقدامات جنایتکارانه ای که رضا خان پدر بزرگ و محمد رضا پهلوی پدر همین رضا پهلوی مرتکب آن شده اند. در مقابل ناسیونالیستهای محلی و از جمله فدرالیستهای کرد دنبال شریک شدن در قدرت سیاسی تحت نام فدرالیسم هستند. میخواهند اداره امور محلی در کردستان به احزاب بورژوا ناسیونالیست کرد محول شود. در نتیجه در اولین قدم بر سر تعیین مرز منطقه فدرال و غیر فدرال و دامنه و درجه واگذاری قدرت با هم در تضاد قرار میگیرند. واقعه ای که هم اکنون در عراق و کردستان عراق مبنای معضلات زیاد حتی برای مردم کردستان عراق شده است. نقطه عزیمت و پلاتفرم اینها پاسخ به معضل واقعی رفع ستم ملی و حل مسئله ملی نیست. جدال بر سر سهم بردن بیشتر از قدرت سیاسی در راستای بهره گرفتن از استعمار طبقه کارگر و مردم کارکن در جامعه است. در این منشور و بر روی کاغذ این دو طرف به سازشهای شکننده رسیده اند. همین الان جناح تندرو مشروطه خواهان به این سازش رضا پهلوی قائل نیست و از آنها افراطی تر بخش عمده ناسیونالیستها و فدرالیستهای کردستان علیه اقدام مهدی موضع گرفته و سازمان تحت هدایت مهدی مورد انزجار آنها قرار گرفته است. تازه همین فرمولهای سازش روی

منشور ضد انقلاب اصلاح طلب برای دولت انتقالی

سیاوش دانشور



دقیقا همین جمهوری اسلامی منهای تصویر آخوندی. این منشور از حکومت سکولار حرف میزند اما یک کلمه راجع به مافیا و صنعت مذهب در یک انقلاب آنتی اسلامیستی سخن نمیگوید. آخوند همواره دوقلوی سلطنت و سرمایه بوده و بزعم اینان جایگاه رفیعی دارد.

اینها پاسخ مسایل انقلاب را ندارند و نمیخواهند داشته باشند بلکه نقشه راه «گذار از جمهوری اسلامی» را تعریف کرده اند. از آنجا که میدانند پایه داخل کشوری ندارند اساسا کار را روی خارج و پارلمانها و لابی ها متمرکز کردند که تغییر از بالا صورت پذیرد، اما برای اینکه زیادی تو ذوق نزنند به «مخالفت با دخالت خارجی» هم اشاره ای بی آزار کرده اند.

«انزوای جهانی جمهوری اسلامی» را همه میخواهند اما راهش از لابی و پارلمان نمیگذرد بلکه از مبارزه قدرتمند و تحمیل قدرت از پایین نتیجه میشود. یا با رایزنی با دولتها، سفرای جمهوری اسلامی و وابستگان آنها اخراج نمی‌شوند چون این رابطه تابع سیاستهای کلان تری است. شما نتوانستید یک سپاه پاسداران را توی لیست تروریستی دولتها بگذارید حالا چطور میتوانید با رایزنی دولتها را مجاب کنید که بجای جمهوری اسلامی با شماها نشست و برخاست کند و یا عنوان نماینده ایران در سازمان ملل را به شما بدهد؟ اینها البته توهمات نیستند، زینت مجلس و سخنان دهان پرکن برای بسیج عوام حول یک برنامه سیاسی متمایزند. «رایزنی با دولت‌های دموکراتیک برای حمایت از این منشور و سازماندهی پس از آن» مستقیما پای دولتها و دخالت آنها را در سیاست ایران باز می‌کند، فعلا در اینکه امری ممکن است یا خیر می‌گذریم. نویسندگان که بعضا زمانی خواهان حمله نظامی به ایران بودند براین نکته واقف بودند به همین دلیل بلافاصله اضافه کردند که «تاثیرگذاری این دولت‌ها باید به نحوی صورت پذیرد که آن‌ها حق دخالت در امور داخلی و تصمیمات مردم ایران را نداشته باشند». شوخی میفرمایید!

اصل مطلب، دولت انتقالی

بعد از مقدمات وارد اصل مطلب میشویم که هدف آن «تشکیل شورای انتقال قدرت و راهکارهای انتقال قدرت به حکومتی دموکراتیک، ملی و سکولار» است. البته باید بخشا در داخل کشور باشد و همراهان اصلاح طلب و ناسیونالیست و عظمت طلب و هم سنخ های خودشان همراهی کنند، بویژه نیروهای نظامی و انتظامی و اطلاعاتی خود حکومت ضروری اند و رضا پهلوی بارها برآن تاکید کرده و از تنمه ساواک نیز پرده برداری کرده است.

اینجا هم خبری از دخالت مردم در سیاست نیست، رضا پهلوی فعلا برای سرهم بندی این نهاد از خیر سلطنت گذشته است. اما دولت انتقالی نیازی به دخالت مردم و بخشهای مختلف ندارد، بلکه به «کمیته های تخصصی گذار از جمهوری اسلامی» نیاز دارد و برای تشکیل آن برنامه دارند. اصلاح طلبان و سلطنت طلبان در چند دهه گذشته راجع به

«همبستگی برای دموکراسی و آزادی در ایران» نام نهادی است که خود را متشکل از احزاب و افراد و گروه ها تعریف میکند و با انتشار «منشور مهسا» هدف خود را همکاری برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی در یک «فرآیند خشونت پرهیز» و برقراری «حکومتی سکولار و دموکراتیک» قرار داده اند.

از همین ابتدا با بحث «فرآیند خشونت پرهیز» روشن میشود که اینها نه اهل سرنگونی اند و نه اهل انقلاب و اولین کسانی خواهند بود که مانند دوره اصلاح طلبی حکومتی «خشونت مردم» را در مقابل توحش و جنایت رژیم محکوم کنند. مسئله این نیست که انقلاب با خشونت همراه است، موضوع اینست که انقلاب تنها راه در هم شکستن خشونت سازمانیافته دولتی است. و البته این اصلاح طلبان ریزشی و راست های فاشیست سلطنت طلب کارنامه قطوری از خشونت زیر بغل دارند و همین ماه های اخیر در خارج کشور شاهد جد و جهد فاشیست ها و ساواکی ها علیه مخالفین سیاسی بوده ایم. از نظر سیاسی کسی که در دوره انقلابی از «فرآیند خشونت پرهیز» سخن میگوید، به یاران مادر ترزا تعلق ندارد بلکه دنبال معامله با حکومت است، هدفش انتقال قدرت بصورت بهداشتی و دست نخورده است، میخواهد دخالت مردم در سیاست و انقلاب حدالامکان محدود و ریموت کنترلی باشد.

«منشور همبستگی و سازماندهی برای آزادی» بیجهت نام مهسا را بر خود نهاده است، هیچ رابطه یک به یکی با افق و خواست زنان انقلابی و برابری طلب که مهسا اسم رمز انقلاب آنهاست با این منشور و امضا کنندگان وجود ندارد. امضا کنندگان اولیه یعنی حامد اسماعیلیون، نازنین بنیادی، رضا پهلوی، شیرین عبادی، مسیح علینژاد و عبدالله مهندی هیچکدام نسبتی با انقلاب ندارند. یکی منتظر سلطنت و ناسیونالیست عظمت طلب است و هنوز خود را در مجالس «اعلیحضرت پرنس» معرفی میکند و یکی قوم پرست و طرفدار فدرالیسم و بقیه حقوق بشری با سابقه اصلاح طلبی حکومتی. این خانمها و آقایان تا همین شش ماه پیش از واژه انقلاب کهیر میزدند و بحدی دلشان نازک است که هنوز در متن یک انقلاب و جنگی با اینهمه جانباخته و زندانی از «فرآیند خشونت پرهیز» سخن میگویند!

منشور چه میگوید؟

خود منشور حرف خاصی برای گفتن ندارد، هرچند در دوره انقلابی و بحران سیاسی وعده دادن ارزان است. ایران «آزاد و دموکراتیک» حضرات، اگر به وعده شان باور کنیم و با فرض محال دست شان به جایی بند شود، همین جمهوری اسلامی با کلیه ساختارهای اساسی و قوانین و کنوانسیونهایی است که ظاهرا قبول کرده اما اجرا نمیکند.

منشور ضد انقلاب اصلاح طلب برای

دولت انتقالی ...

مسائل مختلف جامعه و مسایل اجتماعی نهایت «تخصص» شان اینبوده که از ارتجاع و عقب ماندگی دفاع کنند و آدم میماند که کدام تخصص را در پستیوی قایم کرده اند که قرار است گذار از جمهوری اسلامی را متخصصانه انجام دهند!

در باورهای مشترک شان بر «تعیین نوع حکومت از طریق همه پرسی و انتخابی بودن مقامات از طریق انتخابات آزاد و حقوق برابر شهروندان در پیشگاه قانون» تاکید کردند. معضل «تمامیت ارضی» را با سازشی در مورد تمرکززدایی و سپردن «اختیارات مالی و اداری و سیاسی به نهادهای منتخب استانی و شهری و ناحیه ای» تا اطلاع ثانوی سرهم آوردند. و بالاخره «مجلس موسسان» که شاه بیت دوره انتقالی و تدوین قانون اساسی جدید است و «پذیرش نظارت نهادهای ناظر داخلی و بین‌المللی بر انتخابات». اینها نظرات میرحسین موسوی و کمابیش اصلاح طلبان در دوره خاتمی هم بوده است. هر کسی که از انقلابیگری و تغییر انقلابی وحشت دارد همین فرمولها را ردیف میکند تا بتواند انقلاب را هایچک و به سلاخ خانه بفرستد.

در مورد حقوق بشر و کرامت انسانی تنها هنرشان اینست که باور به حقوق بشر دارند مثل باور به یک مذهب، باور که مبنای تعهد و تضمین نیست، اگر فردا گفتم دیگر باور ندارم مردم چه خاکی باید بر سرشان بریزند؟ و یا بیشتر کنوانسیونهای سازمان ملل که رژیم اسلامی هم زیرش امضا و انگشت زده اما خانمها و آقایان وعده میدهد که آنها اجرا نمیکند و ما اجرا می کنیم. قول داده اند به کنوانسیون های حقوق زن و کودک و غیره بپیوندند و اجرا کنند. از جمله «پذیرش تکثر و تنوع در جامعه ایران» را به «پذیرش زبان های مادری بر اساس قوانین و کنوانسیون های بین‌المللی» تنزل داده اند.

در این میان صحبتی از آزادی احزاب، حق ازادانه فعالیت سیاسی، تشکیل گروه و سازمان و اجتماع و اعتصاب و تظاهرات و انتقاد بر علیه دولت و هر مقام سیاسی، نفی مقدسات و سیم خارداری های ملی و میهنی و مذهبی در نقد و ابراز وجود سیاسی نیست.

نکته جالب و پیش و پا افتاده قبول لغو مجازات اعدام و منع شکنجه و ممنوعیت «مجازات خودسرانه» در دوره گذار است. نه اصلاح طلبان و نه سلطنت طلبان چه دیروز و چه امروز در این مورد سابقه خوبی ندارند. وعده های اینچینی بیشتر فشار جامعه را روی منشورچی ها منعکس میکند تا مکتوبات قلبی ایشان. عملکرد و سیاست فرسنگرد و حزب فاشیستی ایران نوین که ستون فقرات سیاسی رضا پهلوی است و وعده کوره آدمسوزی برای کمونیست ها میدهند، علیه ادعای مخالفت با اعدام گواهی میدهد.

جایگاه کارگران

از بورژوازی انتظار حمایت از کارگر توهم محض است. اما منشور زبان جناح مرکز را در مورد طبقه کارگر برگزیده تا هم لینیکی به جمهوریخواهان بدهد و هم برای بسیج بخشهایی از کارگران تلاش کند. « پیوستن و عمل به کنوانسیون های سازمان بین‌المللی کار درباره ی حقوق کارگران شامل آزادی تشکل و حق سازمانیابی، اعتصاب و مذاکره ی جمعی؛ تامین سلامت، امنیت و منع تبعیض در محیط کار و ضمانت حداقل دستمزد عادلانه»، کل انجیزی است که در مورد هشتاد درصد جامعه ایران در این منشور آمده است. «دستمزد عادلانه» یک چرند بیش نیست، دستمزد هیچوقت عادلانه نیست چون براساس بردگی مزدی است، بردگی عادلانه نداریم. همین حق اعتصاب و تشکل هم تعارف است. سرمایه داری برای بازسازی نیازمند گسترش استثمار و سرکوب و ممنوعیت سازمان کارگری است. برخورد فاشیستی اینها با کمونیست ها از همین امروز نشان میدهد که چقدر به این مفاد سطحی هم پایبند هستند.

«عدالت»

عدالت یک سرفصل دیگر منشور است که در قاموس نویسندگان به قوه قضاییه مستقل و دادخواهی قربانیان جمهوری اسلامی تنزل یافته است. عدالت مقوله ای اقتصادی و اجتماعی است که در مورد آن آگاهانه سکوت شده است چون قرار نیست عدالتی در کار باشد و همین دو مورد اشاره شده لای چرخ دنده همین منافع بورژوازی همواره له شده است.

«صلح و امنیت»

امنیت از نظر بورژوازی امنیت سرمایه و آزادی استثمار است. لذا سرفصل امنیت به بازسازی ارتش، انحلال سپاه و ادغام نیروهای سپاه در ارتش و نیروهای نظامی دیگر خلاصه شده است. زحمت کشیدند و تاکید کردند «در صورت اثبات عدم دخالت در جنایات و داشتن تخصص»! همینطور وظیفه ارتش را «دفاع از یکپارچگی سرزمینی کشور» قید کردند که فردا آماده حمله به هر کسی باشد که نخواهد در چهارچوب ایران بماند.

تنش زدایی و پیوستن به کنوانسیون امنیت هسته ای و کنوانسیون های دیگر همه قرار است دل دول غربی را در همان کارهای لابیستی بدست بیاورد. در مورد محیط زیست هم همینطور. خود آمریکا و دولتهای غربی به قرارداد کیوتو و دیگر قراردادهای پایبند نیستند حالا حضرات میخواهند کاسه داغ تر از آش قطعنامه های سازمان ملل شوند.

بند ۱۷ منشور نوبر است که زیر تیتر «شفافیت اقتصادی و رفاه» آمده است و خواهان از بین بردن انحصارات اقتصادی شده است. معلوم نیست منظورشان کدام انحصارات است، مگر میشود سرمایه داری بدون انحصارات را تصور کرد؟ اینجا هم باز تعهد دادند که کارهایی که جمهوری اسلامی نمیکند را انجام دهند مانند پیوستن به کنوانسیون گروه ویژه اقدام مالی (اف ای تی اف) و مبارزه با فساد!!! رعایت استانداردهای بین المللی بانکی و مبادلات پولی، منظورشان استانداردهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و تسهیلات برای جلب سرمایه گذاری و تامین امنیت سرمایه است. در

اعلامیه خبری

دروء بر زنان و مردان انقلابی

اینروزها هر جا و همه جا حجاب اسلامی را به آتش بکشید!

سه شب شب ۱۴ مارس در دهها شهر ایران و صدها منطقه و محله تهران و شهرهای بزرگ و کوچک و استانهای مختلف، زنان و مردان انقلابی منجزر از جمهوری اسلامی به بهانه جشن چهارشنبه سوری به خیابان آمدند. با تشکیل هسته های اولیه اعتراض مبادرت به بستن خیابانها و تسخیر و کنترل محلات کردند، نام جانباختگان و زندانیان سیاسی را فریاد زدند، با ماموران سرکوب درگیر شدند و در بسیاری موارد فراری شان دادند، جشن روسری و حجاب سوزان راه انداختند و رو در روی نیروهای تا دندان مسلح سرکوب اعلام کردند شماها رفتنی هستید و ما پیروزییم.

دیشب شمه ای دیگر از انزجار عمومی و عزم انقلابی در هر کوی و برزن بنمایش درآمد، تحلیل های سطحی حکومتی و غیر حکومتی مبنی بر «پایان اعتراضات» را باطل اعلام کرد. این جامعه تصمیمش را گرفته است، نسل جدید از این جنگ پا پس نمی کشد، زنان دیگر سلطه آپارتاید و آخوند و اوباش تذکر لسانی را نمی پذیرند، آخوندهای زبان درازی که دستور جرم انگاری برای بی حجابی میدهند باید هفت سوراخ قایم شوند. این حزب الهی ها هستند که باید در معیت نیروی سرکوب چهار شعار دست شان بگیرند که «حجاب اسلامی از سر آگاهی و عزت است» و زنان بی حجاب به آنها بگویند بروید گم شوید!

فکر کردند با حملات شیمیایی و سیاست تروریزه کرده مدارس دانش آموزان میترسند، دیروز اولین کسانی که بدون حجاب در خیابانها شعار دادند دانش آموزان بودند. از تهران و رشت و کرج و اصفهان تا شهرهای کردستان و یزد و تبریز و هرگوشه ایران فریادها اینبود که قسم بخون یاران ایستاده ایم تا پایان! فقر فساد گرونی میریم تا سرگونی! مرگ بر خامنه ای جلا د و مرگ بر دیکتاتور! علیه تشبثات نیروهای راست و شاه و رهبر شعار دادند! همه جا پوسترهای تبلیغاتی حکومت و عکسهای سران رژیم را به آتش کشیدند و با نارنجک دستی و کوکتل و سنگ از سرکوبگران و اوباش موتوری پذیرائی کردند. دیشب اعلام شد که ما برگشتیم، ما ریشه داریم، این خامنه ای بی ریشه و نظامش است که باید برود. در اجتماعات کوبنده دیشب که تا پاسی از صبح ادامه داشت تعداد زیادی از نیروهای سرکوب زخمی شدند و با خفت فرار کردند. همینطور دهها نفر از معترضین بازداشت و تعدادی از جوانان زخمی شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست به زنان و مردان آزادیخواه و انقلابی درود میگوید. امشب و در روزهای پیش رو با قدرت کابوس و رعشه مرگ را بر عمارتخانه خونین اسلامی به پرواز درآوریم. همه جا حجاب اسلامی این سمبل زن ستیزی و این نماد جمهوری اسلامی را به آتش بکشیم. توی دهان سران سه قوه و امام جمعه های وقیحی بزنیم که زنان شجاع و بی حجاب را تهدید میکنند. در اینروزها یاد عزیز جانباختگان خیزش انقلابی را گرامی بداریم، برسر مزارها جمع شویم و خانواده ها را در آغوش همبستگی انقلابی و محبت غرق کنیم.

امسال بهار و سال نو، بوی بهار آزادی را دارد و این مهم تنها با پیروزی ما و بگور سپردن جمهوری اسلامی عملی میشود.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۴ اسفند ۱۴۰۱ - ۱۵ مارس ۲۰۲۳

منشور ضد انقلاب اصلاح طلب

برای دولت انتقالی ...

مورد رفاه جامعه هم یک کلمه نگفته اند، اشتباه نکردند، منظورشان رفاه سرمایه داران و بانکها بوده است.

این منشور نیست، مشتی حرف بی سر و ته و بشدت کلی برای معامله و لابیسم است. کمترین مسائل و سوالات جامعه و خیزش انقلابی را حتی در صورت ظاهر در نظر نگرفته است. هدفش جلب دولتهاست که از جمهوری اسلامی دل بکنند و از اپوزیسیون راست ایران حمایت کنند، هرچند این شش نفر یکصدم اپوزیسیون راست را هم تشکیل نمیدهند. این همه حامد اسماعیلیون از برنامه برنامه میگفت، اینبود؟

دوره کنونی با منشورهای مختلفی از بسترهای مختلف روبرو میشویم. منشور مبنا یا حداقل یا هر نام دیگر، اگر پلاتفرمی برای معنای سرنگونی انقلابی و فرمان انقلاب نباشد مفت نمی ارزد. صدها منشور سر هم کنید هنوز به گرد پای «برنامه یک دنیای بهتر» نمیرسید. میدانیم مشکل شما برنامه دادن و حتی تعیین اصولی عام برای دوره گذار انقلابی نیست، شما ضد انقلابی هستید که از وحشت انقلاب به تکاپو برای نجات نظم سرمایه و بازسازی آن افتاده اید. تلاش بورژوازی در اپوزیسیون و در حکومت در دوره انقلابی اعاده نظم است، تلاش انقلاب در دوره انقلابی در هم کوبیدن نظم است. ما بازیگران دو صفحه متفاوتیم.

۱۰ مارس ۲۰۲۳



در یک نگاه

رحمان حسین زاده



سپیده قلیان، خامنه‌ای و "اقتدار نظام"

دیشب بسیاری با خبر خوش، آزادی سپیده قلیان سر بر بالین گذاشتیم. امروز صبح با خبر تلخ دستگیری و ربوده شدن او توسط مزدوران خامنه‌ای بیدار شدیم. سپیده جسور یک لحظه بعد از آزایش با صدای رسای "خامنه‌ای ضحاک میکشیمت زیر خاک" کاخ قدرت خامنه‌ای جلاد را به لرزه درآورد. سراسیمه و جیونانه دوباره او را ربوندند. می بینیم لاف و گزاف خامنه‌ای و دیگر سران جنایتکار رژیم در باره "اقتدار نظام" چقدر پوچ است. اعتراضات پرشور در چهارشنبه سوری و ندای سپیده قلیان برای به زیر خاک کشیدن خامنه‌ای و نظامش نشان دیگری بر تداوم خیزش انقلابی تا سرنگونی قطعی جمهوری اسلامی است.

درو بر سپیده قلیان جسور و پرشور

۱۶ مارس ۲۰۲۳

به همراه تبریک سال نو، آزادی سپیده قلیان این نماد شور و مبارزه، مدافع دلسوز و فداکار کارگران هفت تپه، مبارز سنت شکن و خلاف جریان و فعال پیگیر علیه استثمار و ستم و تبعیض و انسان محبوب آزادیخواهان و برابری طلبان را به خانواده اش و به همه کسانی که برای رهایی اش لحظه شماری کردند، صمیمانه باید شادباش گفت. دوباره خوش آمدی به جمع یاران و همزمانت.

۱۵ مارس ۲۰۲۳

علت نزول بی شور "منشور" راستها

بعد از مدت‌ها فضا سازی و آکروبات بازی و برپایی نمایشات نوع "جرج تاون" و وعده منشور از داخل و گشت و گذار شازده و دستیارانش در اروپا و زدن در پارلمان دولتهای فحیمه کشورهای غربی، عاقبت روز دهم مارس منشور موعود برخلاف انتظارشان "بیشور و بیفروغ" به دنیا آمد. آن مراسمها و نمایشات چراغانی حول تولد منشورشان که شش خودگمارده و در رأسشان "شازده" انتظارش را داشت اتفاق نیفتاد. علت را نباید صرفاً در مضمون و مکتوبات "منشور" و محتوای سرمایه دارانه و فرسنگها بیگانه و یا در تقابل با اهداف و شعارها و خواسته های برحق خیزش انقلابی جاری که طبعاً و بخشاً این هست، جستجو کرد، مهمتر بلکه نزول "باد خالی شده" حباب منشور راستها را در واقعیت دیگری باید دید. آن هم این واقعیت که قبلتر و به معنای واقعی کلمه از داخل "منشور مطالبات حداقلی تشکلهای صنفی و مدنی" زیر پای "منشور راستها" اعم از مشروطه خواه و جمهوریخواه و فدرالیست را خالی کرده بود. امروز هر فعال

سیاسی و یا ناظر منصف میتواند، "منشور آن هم حداقلی" با قبول محدودیتهای متعدد داخل کشوری، تازه از جانب "نهادهای و تشکلهای صنفی و مدنی" و نه احزاب ماکسیمالیست چپ مثل ما که صاحب مانیفست جامع "دنیای بهتر" هستیم را با منشور حداکثری شش خودگمارده راستها مقایسه کند، تا بی تردید ببیند چه فاصله عمیقی بین این دو منشور وجود دارد، تا متوجه شوند، که منشور حداقلی نهادهای صنفی و مدنی مربوط به نیروی اعماق جامعه درست نقطه مقابل منشور حداکثری راستها قرار گرفته است. پاشنه آشیل منشور راستها نه فقط ارائه شده از جانب شش خود گمارده، بلکه ارائه شده از جانب "پنج حزب و سازمان جمهوریخواه" در روز نهم مارس هم وجود منشوری حتی حداقلی از قطب چپ جامعه است. انتشار از قیل و به موقع منشور حداقلی نهادهای و تشکلهای صنفی باد منشور راستها را خالی کرد و همین اهمیت اصلی منشور حداقلی نهادهای و تشکلهای را در جدال راست و چپ جامعه توضیح می‌دهد که متأسفانه بعضی از نیروهای قطب چپ جامعه متوجه آن نشدند و بعضی ها حتی در اقدامی نسنجیده، به نام "کارگر و چپ" طومار اعتراضی علیه آن منتشر می‌کنند.

یازدهم مارس ۲۰۲۳

حمایت از سپیده قلیان و دیگر زندانیان
سیاسی امر امروز ماست!

شنبه ۱۸ مارس، ساعت ۱۴،
مدبوریاپلاتسن، تجمع و پیکت
اعتراضی
همراه هم باشیم
شورا - استکهلهم

به حزب کمونیست کارگری

ایران - حکمتیست کمک مالی کنید!

گفتگوی پروین کابلی با آکسل پرسون دبیر اتحادیه کارگران قطار ژت در باره آخرین تحولات اعتصابات بزرگ کارگران در فرانسه



چگونه خواهد بود؟

آکسل پرسون: بسیار مشکل است که بگویم چگونه پیش خواهد رفت. دیروز در مقابل پارلمان مردم بسیار عصبانی بودند و این تجمع خودجوش بود. این وضعیت در همه جا در سراسر کشور وجود داشت. حتی در دورترین شهرها و در روستاهای دور افتاده مردم در حال شورش هستند.

در میان کارگران نفت و کارگران بندرها اعتصاب بسیار قویتر شده است و از روز دوشنبه تعداد بیشتری از مراکز نفتی مثل حالا دست از کار خواهند کشید. تقریباً تمام اتحادیه ها در رابطه با تداوم اعتصاب اتحاد کامل دارند و می خواهند که اعتصاب ادامه پیدا کند حتی اگر طرح دولت روز دوشنبه از طریق پارلمان کنار گذاشته شود، که در اینمورد خودشان مطمئن نیستند.

اگر ما بتوانیم اعتصابات را تا روز پنجشنبه آینده ۲۳ مارس ادامه دهیم، همزمان که تظاهرات های خود بخودی و خود جوش که در هر گوشه و کنار هرشب تا پاسی از شب که تاکنون ادامه داشته است را حفظ کنیم، شرایط غیر قابل کنترلی برای دولت پیش خواهد آمد. سعی ما این است که به اینجا برسیم.

دیروز عصر برای همگی ما لحظات بسیار شورانگیز بود و ما را بیاد شروع اعتراضات جلیقه زردها در سال ۲۰۱۸ انداخت. آری چنین روحیه ای در پاریس حاکم بود. وقتی در نزدیک کاخ الیزه میسوزد به معنای این است که اتفاقات بزرگی در راه است.

پروین کابلی: در چند روز گذشته و بویژه امروز ۱۷ مارس ۲۰۲۳ خیابانهای فرانسه صحنه درگیریهای شدید میان پلیس و کارگران معترض و اعتصابی بود. دولت فرانسه تصمیم گرفته است که از طریق دولت نه اکثریت پارلمان سن بازنشستگی را بالا ببرد. س ژت چگونه میخواهد در رابطه عمل کند؟

آکسل پرسون: بله دیروز درگیری بسیار بود. خیابانهای پاریس را آشغال فراگرفته است چرا که بدلیل اعتصاب و اعتراضات پاکسازی خیابانها پیش نمی رود و اعتصابیون بخشی از آنها را به آتش کشیدند. در منطقه الیزا، پارلمان و نخست وزیری قرار دارد تظاهرات بسیار وسیعی خودجوش برپا شد و معترض تا پاسی از شب در خیابانها ماندند.

برنامه ما این است که تمام هفته آینده سعی کنیم که اعتصابات به بخش های دیگر سرایت کند و تظاهرات های خیابانی جدیدی و اعتراضات وسیع مانند دیروز هرروزه امکانپذیر شود. هدف ما این است که این اعتراضات به این شکل تا پنجشنبه آینده ادامه پیدا کند.



مقابله با پلیس هر روز سخت تر و سخت تر می شود. مردم بشدت عصبانی هستند. باید توجه کرد که مکرون حتی اکثریت نمایندگان پارلمان را ندارد که بتواند پیشنهاد خود را در پارلمان به رای بگذارد و بهمین خاطر است که خیلی ها فکر می کنند که "نه، دیگر بس است" و در این فکر هستند که از متدهای خشونت بارتر برای مقابله استفاده کنند.

پروین کابلی: به نظر شما روند گسترش اعتراضات در این اوضاع

گفتگوی پروین کابلی با آکسل پرسون دبیر اتحادیه کارگران قطار ژت در باره آخرین تحولات اعتصابات بزرگ کارگران در فرانسه ...

پروین کابلی: در انگلیس هم اعتصابات و اعتراضاتی شروع شده است. فکر می کنید موقعیتی که هم اکنون در فرانسه است چطور می تواند در بقیه کشورهای اروپایی تاثیر بگذارد؟

آکسل پرسون: اگر ما پیروز شویم حتما تا حد زیاد در تمام اروپا تاثیر خواهد داشت و امید را افزایش می دهد و فرصت های دیگری برای اینکه متحد و جمعی مبارزه کنیم می آفریند.

در تاریخ فرانسه بارها اتفاق افتاده است که قوانینی از طرف پارلمان تصویب شده است اما آنها هرگز به اجرا در نیامده اند چرا که با اعتصابات کارگری و جوانان روبرو شده اند. در آلمان هم بنا به اطلاع من صحبت از اعتصاب در بخش راه آهن در آخر این ماه است. همینطور من به دعوت شبکه اتحادیه های دانمارک قرار است هفته آینده در رابطه با ادامه اعتصاب در فرانسه صحبت کنم.

پروین کابلی: با تشکر و با آرزوی موفقیت و پیروزی اعتصاب شکوهمند کارگران مبارز فرانسه.



آخرین جلسه در مقر کنفدراسیون عمومی کار در مونتروی قبل از شروع اعتصاب که از روز سه شنبه ۷ مارس آغاز شد

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!



سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در باره منشور اپوزیسیون ضد انقلاب رضا پهلوی و شرکا

از دهم فوریه که همایش گروهی از نیروهای بورژوازی ضد انقلاب در دانشگاه جرج تاون واشنگتن برگزار شد، رضا پهلوی و هم پیمانانش وعده دادند تا پایان ماه فوریه منشور گذار از جمهوری اسلامی را رونمایی خواهند کرد. این وعده آنان، شور و شوق زیادی را در میان نیروهای اپوزیسیون راست افراطی ایجاد کرد. رسانه های بورژوازی به طور شبانه روز از تدوین منشور فوق حرف زدند و لحظه رونمایی آن را با بوق کرنا تبلیغ کردند. سرانجام پس از آنهمه جار و جنجال تبلیغاتی رسانه های بورژوازی، روز یکشنبه ۱۲ مارس (۲۱ اسفند) منشور سرپا ارتجاعی و ضد انقلابی اپوزیسیون راست افراطی با امضای رضا پهلوی و هم پیمانانش حامد اسماعیلیون، شیرین عبادی، مسیح علینژاد، نازنین بنیادی و عبدالله مهدی منتشر شد. منشوری که شالوده آن یکسره در ساخت و پاخت و چانه زنی با دولت های غربی بنیان نهاده شده است تا طراحان آن بتوانند از بالای سر مردم، انقلاب توده های مردم ایران را ذبح و رژیم سرمایه داری دیگری را بر جان و هستی کارگران و زحمتکشان ایران تحمیل کنند. منشوری که با دست و دل بازی تمام، کوشیده است تا مبارزات قهرمانانه توده های مردم ایران را در پای مذاکره با دولت های غربی به سلاخی بکشاند.

این منشور آنچنان بی مایه است، که حتی شکاف در درون نیروهای راست از جمله سلطنت طلبان را تشدید کرد. اپوزیسیون دست راستی بورژوازی را ناامید و آنان را به شکوائیه از محتوای این منشور گشتانید. بی مایگی و ناهمگونی مضمون و محتوای این منشور با خواست ها و مبارزات خیابانی توده های مردم ایران آنچنان عمیق است، که حتا امضا کنندگان منشور، پس از رونمایی از آن، هر کدام ساز خود را در تفسیر بندهای آن می زنند.

نویسندگان "منشور همبستگی و سازماندهی برای آزادی"، که پیش از این، همه توان خود را در گنجاندن نام سپاه پاسداران در لیست گروه های تروریستی گذاشته بودند، اکنون که منشور خود را رونمایی کرده اند، با وقاحت تمام همان نیروهای تروریست و آدمکش سپاه پاسداران برایشان عزیز شده اند. تا جاییکه مجموعه مزدوران سپاه پاسداران را در وجود چند فرمانده جلا و آدمکش خلاصه کرده اند. آنان، با وقاحت تمام ارتش سرکوبگر جمهوری اسلامی را تطهیر و از ادغام سپاه تروریستی در ارتش سخن گفته اند. مدعیان هم پیمان با دول امپریالیستی، که با فریب و ریا نام "مهسا" را بر منشور خود نهاده اند، از هم اکنون نسبت به ارتش دست ساز جمهوری اسلامی ابراز وفاداری کرده و خواهان حفظ تام و تمام ارکان این ارتش سرکوبگر شده اند. غافل از اینکه جمهوری اسلامی از همان آغاز به قدرت رسیدن، با گماردن وابسته ترین نیروهای مزدور خود در رده های بالا و میانی ارتش سرکوبگر بازمانده از رژیم پادشاهی را همانند سپاه پاسداران به ارتشی مزدور، ایدئولوژیک و وفادار به خود تبدیل کرد.

منشور ارتجاعی و ضد کارگری ۶ نفره رضا پهلوی و هم پیمانان او، نه تنها کمترین ارتباطی به منافع کارگران و توده های زحمتکش ایران

ندارد، نه تنها نشانی از حق و حقوق ملیت های تحت ستم ایران در آن گنجانده نشده است، بلکه تنظیم کنندگان آن، با سوار شدن بر مبارزات خیابانی زنان و توده های مردم ایران از هم اکنون در

مقابل توده های تحت ستم و نیروی بزرگ کارگران و زحمتکشان صف آرایی کرده اند. طراحان منشور فوق، از آنجا که می دانند، منشورشان تنها پاسدار نظم طبقاتی، ستمگرانه و استثمارگرانه سرمایه داری حاکم بر ایران است، و باز از آنجا که بر این امر آگاهند که کارگران و توده های رنج و کار و زحمت، هرگز به چنین منشور ضد کارگری تن نخواهند داد، از هم اکنون با تطهیر ارتش و ادغام نیروهای مزدور و آدمکش سپاه در ارتش سرکوبگر جمهوری اسلامی، خود را برای سرکوب کارگران و توده های مردم ایران در دوران پس از سرنگونی جمهوری اسلامی آماده می کنند.

منشور رضا پهلوی و شرکا، اگرچه از نظر کارگران و توده های مردمی که هم اینک در کارخانه و کف خیابان برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی مبارزه می کنند، محلی از اعراب ندارد، با این همه باید در افشای این منشور ضد کارگری نیرو گذاشت و به توده های مردم ایران بیش از پیش نسبت به ماهیت ارتجاعی و اهداف ضد انقلابی منشور بورژوازی رضا پهلوی و شرکای آن هشدار داد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست که برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، در هم کوبیدن ماشین بوراکراتیک - نظامی سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران و برقراری یک دولت کارگری - شورایی مبارزه می کند، کارگران، زنان، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، نویسندگان و عموم توده های مردم ایران را به هوشیاری در مقابل دسیسه های این منشور ضدانقلابی فرا می خواند و به سهم خود در افشای ماهیت این منشور ارتجاعی و تنظیم کنندگان آن پیگیرانه مبارزه می کند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
۱۵ مارس ۲۰۲۳ (۲۴ اسفند ۱۴۰۱)

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



مرگ بر حکومت کودک کش!



ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

اسماعیل بخشی است.

تجمع کارگران سیمان ایلام

صبح روز دوشنبه ۲۲ اسفندماه جمعی از کارگران و کارکنان سیمان ایلام در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع زدند. این کارگران به وضعیت حقوق، اضافه کار، پاداش و عدم تبدیل وضعیت معترض میباشند. اغلب اعتراض نیروها به این خاطر است که رکورد تولید کلینکر با زحمات آنها شکسته شده است اما متأسفانه یک ریال رکورد به آنها تعلق نگرفته و پاداش دسترنج شان به دفتر مرکزی تهران تقدیم شده است.

تجمع اعتراضی کادر درمان و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ایلام

روز شنبه ۲۰ اسفندماه، جمعی از کادر درمان و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ایلام در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان مقابل ستاد این دانشگاه دست به تجمع زدند.

۱۹۰ کارگر نخ البرز بیکار شدند

حدود ۱۲۰ نفر از کارگران این واحد در ابتدای دی ماه سال جاری اخراج و از ابتدای بهمن ماه نیز حدود ۷۰ کارگر دیگر به جمع کارگران اخراج شده اضافه شدند. دلیل بیکاری این کارگران، کاهش فروش محصولات این کارخانه عنوان شده است. طی چند سال گذشته میزان تولید این واحد بسیار خوب بود اما در سال جاری میزان تولیدات کاهش یافت و در نتیجه خطوط تولیدی سالنهای یک و سه تعطیل شدند. به گفته یکی از کارگران؛ در این واحد تولیدی حدود ۴۰۰ کارگر به همراه کارکنان اداری مشغول کار هستند که قراردادهای یک ماهه دارند. وی با اشاره به معوقات مزدی دو ماهه کارگران این کارخانه، درباره مطالبات کارگران بیکار شده نیز گفت: با برخی کارگران هنوز تسویهحساب نشده و برخی دیگر در حال تسویهحساب با کارفرما هستند. کارفرما وعده کرده در صورت بهبود وضعیت کارخانه، کارگران بیکار شده را به کارخانه بازمیگرداند.

کارگران فرش پارس، ۵ ماه حقوق و عیدی معوق

کارگران کارخانه فرش پارس از عدم پرداخت ۵ ماه دستمزد و عیدی خود خبر دادند. این کارگران با احتساب اسفندماه، ۵ ماه است که دستمزد دریافت نکردهاند و عیدی و پاداشها هم پرداخت نشده است. یکی از کارگران کارخانه فرش پارس از تاخیر مکرر مطالبات خود و همکارانش خبر داد و اشاره کرد که پرداخت یک ماه حقوق و عیدی درست در آستانه تحویل سال نو، مشکلی از کارگران و خانوادههایشان حل نمیکند. حدود ۴۰۰ کارگر به همراه کارکنان اداری در این واحد تولیدی مشغول کار بودند که طی دو ماه گذشته حدود ۴۰ نفر به صورت خودخواسته محل کار خود را ترک کردند.

صفحه ۱۵

چهارشنبه سوری، حجاب سوزان رژیم اسلامی را به لرزه درآورد. روز سه شنبه ۲۳ اسفند، در مناسبت چهارشنبه سوری جوانان انقلابی و زن و مرد در محلات و مناطق شهرهای مختلف ایران از جمله در تهران، مشهد، اصفهان، کرج، رشت، سنندج، کامیاران، جوانرود، مریوان، سقز، بانه، تبریز، اراک، ایذه، ایلام و دهها شهر و روستای دیگر با اجتماع و بستن خیابانها، با شعارهای کوبنده مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر حکومت بچه کش، فقر و فساد گرونی میریم تا سرنگونی، جمهوری اسلامی نمیخواهیم نمیخوایم ... و با حجاب سوزان یک تو دهنی محکم به جمهوری اسلامی زدند. در این اجتماعات نام جانباختگان خیزش انقلابی جاری سرداده میشد و فریاد پایداری تا سرنگونی رژیم اسلامی بلند بود. در محلات مختلف تهران و شهرهای دیگر جوانان به مقابله و درگیری با نیروهای امنیتی پرداختند و در موارد متعددی آنها را فراری دادند. اعتراضات و اجتماعات روزهای اخیر مجدداً نشان داد که مردم انقلابی ایران سر سازش با حاکمیت سپاه اسلامی ندارند.

ربودن و بازداشت مجدد سپیده قلیان

سپیده قلیان که به شجاعت و صدای انقلاب معروف شده است، روز چهارشنبه درحالی که از زندان خارج شده بود با صدای بلند شعار داد: "خامنه ای ضحاک، می‌کشیمت زیر خاک!" او بعد از آزادی از زندان در اینستاگرام نوشت: "بعد از ۴ سال و ۷ ماه از پرونده هفت‌تپه آزاد شدم. این بار به امید آزادی ایران اوادم بیرون. به امید آزادی خیلی زود عزیزانم سپیده کاشانی، نیلوفر بیانی، زهرا زنتابچی، بهاره هدایت، گلرخ ابرایی، ناهید تقوی و همه زندانیان سیاسی". سپیده قلیان به همراه خانواده در مسیر بازگشت به دزفول بودند که در مسیر جاده قم - اراک، چند ماشین نیروهای امنیتی آنها را متوقف کردند و این فعال خوشنام کارگری را به زور از خانواده جدا کردند و به زندان اوین منتقل کردند. چند شهروند عادی که در حال فیلم گرفتن از صحنه بازداشت سپیده قلیان بودند نیز بازداشت شدند.

اعتصاب کارگران فصلی شرکت نیشکر هفت‌تپه

روزهای شنبه ۲۰ اسفندماه، یکشنبه و دوشنبه صدها نفر از کارگران فصلی هفت تپه دست به اعتراض و اعتصاب زدند. کارگران معترض یارد را بستند و در شبقت شب نیز به اعتصاب ادامه دادند. روز دوم قریب پانصد کارگر تجمع کردند. تعدادی خودفروخته و اعتصاب شکن با وعده دروغ و در بند و بست با کارفرما اعتصاب را شکستند اما کارگران به افشای آنها پرداختند. کارگران اعتصابی در درون شرکت با شعار قرارداد قرارداد دست به راهپیمایی زدند. خواست کارگران علاوه بر مساله تعیین وضعیت همکاران فصلی، همسان سازی حقوق ها هفت تپه با مجموعه هفت طرح، منازل سازمانی و بازگشت به کار

کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی ...

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی

روز یکشنبه ۲۱ اسفندماه، جمعی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی شهرهای شوش، کرمانشاه، اهواز، در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً در محوطه اداره تأمین اجتماعی این شهرستان ها دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات

روز دوشنبه ۲۲ اسفندماه، جمعی از بازنشستگان مخابرات تهران در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان در مقابل ساختمان وزارت ارتباطات و در سایر شهرستانها در محل شرکت مخابرات این استانها دست به تجمع زدند.

تجمع بازنشستگان صنایع فولاد ایران در تهران

روز یکشنبه ۲۱ اسفند ماه، جمعی از بازنشستگان فولاد، با حمل پلاکاردهایی که بر روی آن مطالبات خود را نوشته بودند در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به مطالباتشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد در تهران تجمع کردند.

مرگ یک کارگر در گیلان غرب

صبح روز دوشنبه ۲۲ اسفند ماه یکی از کارگران کارخانه گچ چغالوند گیلان غرب حین انجام کار بازگشایی انسداد یک کوره مخزنی گچ به داخل آن سقوط می‌کند و در نتیجه دچار خفگی می‌شود. کارگر جانباخته مسلم حیدری نام دارد و با مدرک فوق لیسانس حدوداً ۴۴ سال سن داشت.

کشته و زخمی شدن ۱۲ نفر بر اثر آتش‌سوزی محل اسکان کارگران

جمعه شب حادثه آتش‌سوزی در محل اسکان کارگران کشاورزی در شهرک علایین شهر ری باعث مرگ ۵ نفر و مصدومیت ۷ نفر دیگر شد. بر اساس گزارش سخنگوی سازمان آتش‌نشانی، در این آتش‌سوزی که جمعه شب بر اثر آتش گرفتن مواد قابل اشتعال و انفجار چند سیلندر گاز اتفاق افتاد، ۵ نفر از اعضای چند خانواده کارگری که از اتباع غیر ایرانی بودند به علت سوختگی شدید جان باختند. همچنین ۷ مصدوم این حادثه به مرکز درمانی منتقل شدند اما وضعیت جسمی مناسبی ندارند.

بازداشت یک معلم در اراک

بنابه خبرمنتشرشده، محمد صادقی، فرهنگی بازنشسته و از فعالین صنفی استان مرکزی، اراک پس از شرکت در تجمع شانزدهم اسفند، صبح روز پنج‌شنبه هیجدهم اسفند ماه بازداشت شد. این فعال صنفی هم اکنون در پلیس امنیت اراک به سر می‌برد.

آخرین وضعیت پیروز نامی، زندانی سیاسی

در ادامه موج فشار حاکمیت بر فعالان صنفی شعبه سوم بیدادگاه انقلاب

شهرستان اهواز پرونده جدیدی برای پیروزمایی دبیر کانون صنفی معلمان خوزستان گشوده است. با وجود اینکه پیروز نامی پیش از این به یک سال حبس تعزیری قطعی بابت تبلیغ علیه نظام محکوم شده و آموزش و پرورش نیز سه ماه انفصال از خدمت و حذف رتبه بندی را برای او اعمال نموده، بازجویان، به منظور اعمال فشار بیشتر، پرونده تازه ای علیه پیروز نامی تشکیل داده اند. در احضاریه پیروز نامی «فعالیت تبلیغی به نفع گروه های مخالف نظام و اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت ملی داخلی/خارجی عضویت در گروهایی که هدف آنها برهم زدن امنیت کشور می باشد» اتهامات وی ذکر شده است. قرار است این فعال صنفی ساعت ۱۰ صبح ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ محاکمه شود.

تداوم بازداشت و بی‌خبری از عثمان اسماعیلی فعال کارگری

روز یکشنبه ۲۱ اسفندماه ۱۴۰۱، سیزده روز از آخرین تماس تلفنی عثمان اسماعیلی از فعالین کارگری سقز با خانواده‌اش می‌گذرد. طی روزهای گذشته این فعال کارگری هیچ‌گونه تماس با خانواده‌اش نداشته است و این عدم بی‌خبری از وضعیت عثمان اسماعیلی موجب نگرانی خانواده‌اش شده است. روز سه‌شنبه نهم اسفندماه ۱۴۰۱، عثمان اسماعیلی فعال کارگری اهل شهر سقز طی تماسی از بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج اعلام کرده است که برای او قرار بازداشت یک ماهه صادر شده است. لازم به ذکر است که این فعال کارگری طی مدت بازداشت دو بار تلفنی با خانواده‌اش تماس گرفته است و اولین تماس او مربوط به پنج‌شنبه چهارم اسفندماه بوده است. عثمان اسماعیلی روز چهارشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۱، بدون برگه قضایی و اعلام اتهام انتسابی توسط نیروهای امنیتی شهر سقز بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده بود.

الهام افکاری به ۵ سال حبس خانگی محکوم شد

سعید افکاری در توپینتر نوشت: خواهرم الهام، امروز از زندان عادل‌آباد آزاد شد اما باید پنج سال آینده‌ی زندگیش را با پایند در حبس خانگی بگذراند. پنج سال حبس خانگی تنها به جرم اینکه دادخواه نفس گرفته‌ی برادر بی‌گنااهش بود.

کامیار فکور و سروناز احمدی به حبس محکوم شدند

بر اساس حکمی که توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران صادر و به کامیار فکور فعال کارگری و همسرش سروناز احمدی مترجم، فعال حقوق کودکان و حامی کارگران ابلاغ شده، محکومیت آقای فکور به هشت ماه حبس و سروناز احمدی به سه سال و شش ماه حبس تعزیری تقلیل یافته است. سروناز احمدی به همراه همسرش کامیار فکور روز یکشنبه ۱۵ آبان‌ماه ۱۴۰۱ توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت و به زندان اوین منتقل شدند. سرانجام او روز ۱۶ آذرماه ۱۴۰۱ با تودیع قرار وثیقه‌ی ۵۰۰ میلیون تومانی موقتاً و تا زمان پایان مراحل از زندان اوین آزاد شده بود.

صالح نیکبخت وکیل پرونده رینا امینی به «تبلیغ علیه نظام» متهم شد

بر اساس گزارش منتشر شده، صالح نیکبخت، وکیل پرونده مهسا امینی، روز شنبه ۲۰ اسفند به شعبه ۲ بازپرسی دادسرای عمومی تهران احضار و به «تبلیغ علیه نظام» متهم شد.

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

یدی بهاری زر جهت اجرای حکم به زندان اوین منتقل شد
یدی بهاری زر فعال کارگری ۴۷ ساله اهل شهر سنندج و ساکن دماوند
جهت اجرای حکم ۶ سال حبس به زندان اوین منتقل شد.

حکم کیوان مهدی در دادگاه تجدید نظر تایید شد

شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر حکم ۶ سال زندان (۵ سال قابل اجرا) صادر
شده برای کیوان مهدی را عیناً تأیید کرد. همچنین در پرونده موکدا
نوشته است: مشمول عفو (تخفیف) نشود!

احضار نصرت بهشتی توسط اداره اطلاعات مشهد

نصرت بهشتی، معلم بازنشسته مشهدی که به پنج سال زندان محکوم
شده بود و به علت بیماری (که در زندان مبتلا شده است) بارها جراحی
شده است، بار دیگر در تاریخ بیست و دوم اسفند ۴۰۱ احضار شد. لازم
به ذکر است که این معلم بازنشسته، با وثیقه یک میلیارد و دویست میلیون
تومانی آزاد است و
در روزهای آینده باید جراحی شود.

زینب همرنگ معلم بازنشسته در تهران بازداشت شد

نیروهای امنیتی خانم زینب همرنگ سید بگلو را روز یکشنبه بیست و
یکم اسفندماه، هنگام خروج از منزلش، در تهران بازداشت و به مکان
نامعلومی منتقل کردند.

عثمان اسماعیلی به زندان سقز منتقل شد

عثمان اسماعیلی فعال سرشناس کارگری اهل شهر سقز طی یک تماس
تلفنی با خانواده اش اعلام کرده که از بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج
به بند قرنطینه زندان سقز منتقل شده است.

زاهدان، امروز ۲۶ اسفند

حکومت بچه کش نمیخایم نمیخایم!

خامنه ای حیا کن مملکتو رها کن!

مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر بسیجی!

سلطنت، ولایت، یکصد سال جنایت!



اطلاعیه شورای نیروهای چپ و کمونیست

در رابطه با درگذشت نا به هنگام رفیق صالح احمدیان



متأسفانه مطلع شدیم که رفیق صالح
احمدیان، کمونیست و کادر هسته
اقلیت دیروز ۱۴ مارس در اثر
بیماری مزمن سرطان در کشور
نروژ درگذشت.

رفیق صالح از دوره نوجوانی به
فعالیت سیاسی رو آورد و به صفوف
چریکهای فدایی خلق ایران پیوست.
او بیشتر از سی سال از زندگی
پربار فعالیت سیاسی خود را در

صفوف هسته اقلیت انجام داده است. در کنار فعالیتهای سیاسی دیگرش
به نمایندگی از طرف هسته اقلیت در شورای همکاری نیروهای چپ و
کمونیست، فعالیت می کرد. ما افتخار آنرا داشتیم از نزدیک از صمیمیت
و دقت بالای او در پیشبرد مسئولیتهاش برخوردار باشیم. جنبش
کمونیستی و کارگری ایران بار دیگر عضو بزرگی را از دست داد.

ما درگذشت رفیق صالح احمدیان را به خانواده و دوستانش و به رفقای
هسته اقلیت تسلیت میگوییم.

یادش گرامی و راهش پر توان باد

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

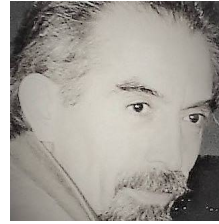
۱۵ مارس ۲۰۲۳



کارگران در اعتراضات به مجمع عمومی متکی شوید!

یادداشتها،

سیاوش دانشور



گرامیداشت جانبختگان در شهرهای مختلف ایران



روز ۲۵ اسفند ۱۴۰۱ در آخرین پنجشنبه سال، خانواده های جانبختگان خیزش انقلابی در بسیاری از شهرها و آرامستان های آن از جمله در سنندج، مهاباد، دیواندره، دهگلان، تبریز، کامیاران، سقز، رشت، اراک، اصفهان، شاهین شهر، کرمانشاه، تهران، سمیرم، کرج، خرم آباد و ... تجمع کردند. علیرغم ایجاد فضای امنیتی و بستن ورودی ها در بسیاری از مناطق، مردم مبارز و انقلابی در بیشتر این اجتماعات بویژه در شهرهای کردستان وسیعا همراهی کردند و با گلباران مزار جانبختگان و سردادن شعار و ایراد سخنرانی های پرشور بر تداوم مبارزه انقلابی تاکید کردند. در تعدادی از اجتماعات کردستان از حکومت شوراها سخن گفتند، در مهاباد برای کارگران هفت تپه و اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و کارگران ایران پیام همبستگی دادند و علیه شاه و رهبر شعار دادند.

در سقز و بمناسبت یاد مهسا جمعیت سراپا شور بود، سرود میخواندند و مشتهای گره کرده و علامت پیروزی نشان از عزمی راسخ میداد. در مهاباد از آزادی و برابری و علیه سلطنت و رهبری شعار دادند و تاکید کردند که فرزندان آتش انتقام خون جانبختگان را خواهند گرفت. در بهشت محمدی سنندج علیرغم محاصره منطقه نیروی وسیعی خود را به محل رساندند و وقتی به سرکوبگران نگذاشتند. در دهگلان جمعیت بزرگی تجمع کردند و خانواده های جانبختگان را بگرمی همراهی کردند. در حسن آباد سنندج از تداوم راه جانبختگان و انقلاب سخن گفتند. در کامیاران عکسهای بیشتر جانبختگان خیزش انقلابی را یکجا کنار هم قرار داده بودند و یادشان را با سرودخوانی و سخنرانی گرامی داشتند. در شهرهای دیگر نیز با سرودخوانی و گلباران مزار جانبختگان خانواده های داغدار را همراهی کردند. در



شهرهای مختلف در جمعیت های محدودتر به منازل جانبختگان سرکشی کردند. بر روی دیوارها نیز کلیشه ها و شعارهای نوشته شده از روحیه مصمم انقلابی خبر میداد.

امروز هرگوشه ایران به طرق مختلف مملو از فضای همبستگی انسانی و انقلابی با جانبختگان خیزش انقلابی بود و نیروهای امنیتی و سرکوبگر حکومت جنایتکار و کودک کش اسلامی نیز بوسعت همه جا حضور داشتند. درود بر مردم مبارزی که درد مشترک را تقسیم کردند و با برجسته کردن روحیه انقلابی و همبستگی انسانی این پیام را فرستادند که نه می بخشند و نه فراموش می کنند و تجدید عهد کردند که تا پایان ایستاده اند و از این نبرد سرنوشت ساز پاپس نمی کشند.

۱۶ مارس ۲۰۲۳

یادداشتها ...

درد بی درمان حکومت اسلامی



فاشیستی. اجباری بودن وجه قانونی حجاب است نه ماهیت و مضمون آن.

همین خط و همین دیدگاه در خیزش انقلابی مسلط شد، حجاب سوزان راه افتاد و ما خیلی وقت پیش وعده اش را داده بودیم و مشخصا فراخوان به برگیری دستجمعی حجاب و حجاب سوزان دادیم. امروز بسیاری شوکه اند و باور نمی کنند که در ایران اسلام زده زنان حجاب بسوزانند و عمامه از سر آخوند بپرانند.

مرتضی آقاآهرانی، رییس کمیسیون فرهنگی مجلس: "دشمن می خواهد این نماد جمهوری اسلامی یعنی حجاب و عفاف را خراب کند".

دقیقا ما می خواهیم نماد جمهوری اسلامی را نه فقط خراب بلکه نابود کنیم. امشب و فرداشب و روزهای پیش رو همه جا و هر جا حجاب بسوزانید. حجاب این نماد جمهوری اسلامی، این نماد زن ستیزی را به آتش بکشید. به آتش کشیدن حجاب مقدمه به آتش کشیدن کل جمهوری اسلامی است!

۱۴ مارس ۲۰۲۳

هفت تپه، یک توطئه دیگر شکست خورد!

یادتان هست که برای سندیکای واحد دسیسه چیدند و با همکاری ترابیان و امثال رخشان میخواستند مجمع عمومی حکومتی برگزار کنند تا بلکه زیرآب سندیکای واحد را همزمان با سرکوب فعالینش بزنند و تعدادی پرت سیاسی از این روند حمایت کردند؟ یادتان هست طرح مشابهی برای هفت تپه و احیای شورای اسلامی داشتند؟

هفت تپه ای ها اما در هر قدم توطئه ها را یک به یک در هم شکستند، به حملات از درون و از بیرون پاسخ دادند، یک تنه در مقابل ارگانهای متعدد حامی کارفرما ایستادند، خلع ید را تحمیل و پیروزی شان را جشن گرفتند. اسماعیل این نمونه شرافت کارگری را روی دوش شان گذاشتند و پای تربیون بردند تا نمونه ای از اتحاد و همبستگی کارگری را در جنبش کارگری ایران نشان دهند. برای بازگشت اخراجی ها تلاش کردند و بخشا موفق شدند. شرکت را سرپا نگهداشتند و قدم بقدم توطئه های بعدی را شکست دادند.

صفحه ۱۹

#سپیده_قلیان را بدلیل سردادن یک شعار ساعتی بعد از آزادی ربوندند و به زندان اوین بازگرداندند تا علی خامنه ای از #دشمن خیالش راحت شود. این سرعت عمل اوباش را مقایسه کنید با حمله #تروریستی و #شیمیایی به بیش از ۵۰۰ مدرسه و دبستان و دانشگاه که مدعی بودند «سرنخ» ندارند و جایی جمعش کردند، چون نقشه و کار خودشان بود.

سپیده را دوباره اسیر کردید و زیر شکنجه بردید که چه غلطی بکنید! قدرت تان را نشان دهید یا ذلت تان! سپیده را اسیر کردید اما با بیش از ۲۰ میلیون سپیده چه میکنید؟ با بیش از هشتاد درصد جامعه ای که میخواهد سر به تن تان نباشد چه میکنید؟

وقتی حکومتهای استبدادی دیگر نمیتوانند با رکن اساسی قدرت شان، یعنی زندان و دادگاه و سرکوب، جامعه را ساکت کنند، عمرشان بطور قطع به پایان رسیده است. درد شما ارادل و اوباش حکومت اسلامی بی درمان است. هرچه بگیرید، بکشید، تجاوز کنید، اعدام کنید، پرونده بسازید، فایده ندارد. باید بروید و دارد میروید.

#سپیده_قلیان #حجاب_سوزان

۱۶ مارس ۲۰۲۳

جشن حجاب سوزان است!

همه جا حجاب اسلامی نماد جمهوری اسلامی را به آتش بکشید!

سالها و تا همین اواخر با تعداد زیادی از اصلاح طلب تا شبه چپ انتلک کلنچار رفتم که حجاب یک تکه پارچه نیست، پوشش نیست. حجاب نماد فرودستی زن است، لوگوی آپارتاید جنسی است و برای جنبش اسلامی همان مکان را دارد که علامت اس اس برای جنبش

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

یادداشتها ...

در همین دوره بود که حکومت میخواست شورای اسلامی را مجدداً تحمیل کند و کارگران با گل گرفتن درب آن گفتند که تنها نماینده ما مجمع نمایندگان کارگری است. این را مقابل فرمانداری و جلوی اداره کار با صدای بلند اعلام کردند.

اینروزها در هفت تپه و در متن دعوی کارفرمایان و دولتی‌ها و اعمال نفوذ آنها و با اتکا به تعدادی خودفروش تلاش کردند مجدداً شورای اسلامی منحل شده توسط کارگران را دائر کنند. خود شورای اسلامی هیچوقت عددی نبوده اما تحمیل آن بعنوان سدی در مقابل فعالین و رهبران صدیق کارگران در زد و بند حکومتی‌ها لازم دانسته شد. کارگران بارها گفتند که ما تنها نماینده مان فعالین شناخته شده در هفت تپه و در راس آنها اسماعیل بخشی است که هنوز اخراجی است و ما در چنین نمایش مضحکی شرکت نمی‌کنیم.

با اینحال با اتکا به نیروی انتظامی و نظارت اداره کار صندوق‌های رای را تحت عنوان "انتخابات کارگری" علم کردند. دو روز است مزدوران کارفرمای جدید و همکاران اداره کار و امثال محمد خنیفر بی چشم و رو که روی دوش اعتصاب و اعتراض همین کارگران بکار برگشت، خودشان را جر میدهند که کارگران در نمایش مضحک انتخابات شرکت کنند. نتیجه چی شد؟ از حدود پنجهزار کارگر در این فصل و استفاده بیش‌ازمانه از تبلیغات ضد کارگری قومی و تهدید و تطمیع، چند صد نفر بیشتر را نتوانستند پای صندوق بکشند. یک افتضاح کامل و یک شکست دیگر.

همزمان با این مضحکه کارگران فصلی دست به اعتصاب زدند. همان کارگرانی که روی موقعیت ناامن شغلی آنها حساب باز شده بود که در این نمایش شرکت کنند و به عده ای وعده تغییر وضعیت و قرارداد داده شده بود. کارگران هفت تپه بار دیگر مزدوران را سرجایشان نشاندهند و از حیثیت و سابقه و رهبران شان دفاع کردند.

شورای اسلامی ضد کارگر پلیس و چشم و گوش کارفرما و دولتی‌ها در کارخانه است و همه جا باید منحل و از مراکز کار بیرون انداخته شود. درود بر هشیاری و اتحاد کارگران هفت تپه.

برای تعقیب جزئیات اخبار میتوانید به منبع خبری اصلی کارگران هفت تپه، کانال مستقل کارگران هفت تپه مراجعه کنید.

۱۳ مارس ۲۰۲۳

رژیم درمانده و زبون، سپیده انقلاب!



پروین کابلی

روز چهارشنبه ۲۴ اسفند ۱۴۰۱ یک جمله کوتاه حاوی چهار کلمه بسرعت در مدیای اجتماعی و رسانه‌ها ترند شد: "سپیده قلیان آزاد شد!"

فیلم آزادی سپیده شبکه‌های اجتماعی را به مانند انفجاری تکان داد و صدای شعار دختر سرزمین آفتاب هفت تپه را که شاد و خندان با موهای افشان اطراف صورتش در حالیکه بدور خود می‌چرخند "خامنه‌ای ضحاک، می‌کشیمت زیر خاک" به خانه‌های میلیون‌مردمی که خواهان برچیدن این رژیم ددمنش هستند برد و هلهله‌ی شادی بلند شد.

سپیده قلیان با لباسی با رنگهای شاد و صورتی مهربان و مصمم در مقابل زندان اوین بار دیگر توانایی خود را بعنوان سیمبل انقلابی قدرتمند برای "آزادی و برابری" نشان داد. اما یزدلان اسلامی و قدرتمندان جنایتکار تاب نیاوردند که این صحنه را ببینند و ساعتی بعد افراد مسلح اتوموبیل حامل او را متوقف و سپیده به نقطه‌ی نامعلومی منتقل شد.

این فیلم و همان چند ساعت آزادی سپیده قلیان نشان داد که چه قدرتی عظیمی در این انقلاب نهفته است. اما دیگر کار از کار گذشته است. اکنون شعار "خامنه‌ای ضحاک، می‌کشیمت زیر خاک" برسر هر کوچه و برزنی و روی دیوارها و در طنین شعار معترضی خشمگین همراه با شعارهایی مانند "مرگ برخامنه‌ای جلاد"، "مرگ بر حکومت کودک‌کش"، "زنده باد انقلاب" ترند خواهد شد و تا سرنگونی رژیم اسلامی ترند خواهد ماند.

پیام سپیده قلیان و مردم ایران روشن است: ما شما را نمیخواهیم، به زیرتان میکشیم. این انقلاب در قدم اول یک هدف را در پیش روی خود قرار داده است: رژیم اسلامی باید سرنگون شود.

زنده باد سپیده قلیان

زنده باد انقلاب

مهسا امینی

نه به حجاب اسلامی!

حجاب را آتش بزنید!

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

سپیده قلیان و عبور از دیوار زندانها!

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونست



سپیده قلیان، ساعتی پس از ۴ سال و هفت ماه با فریاد "خامنه ای ضحاک، می‌کشیمت زیر خاک" از زندان اوین آزاد شد. آزادی او اما فقط ۴ ساعت طول کشید و مجدداً توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ربوده و از زندان بزرگ ایران به زندان کوچک اوین منتقل شد.

سپیده قلیان در اعتصابات کارگران هفت تپه دستگیر و به پنج سال زندان محکوم شد و نامش یادآور هفت تپه ۹۷ است. سپیده قلیان از معدود زندانیانی است که دیوار زندانهای کوچک و بزرگ در مبارزاتش وقفه ای ایجاد نکرد. همراه با اسماعیل بخشی افشاگر شکنجه در زندانها شد. نقش آمنة سادات ذبیح پور را در اعتراف گیری زندانیان افشا کرد و در اضافه شدن "بازجو خبرنگار" به ادبیات سیاسی ایران نقش مهمی داشت.

برای آزار وی و خانواده اش به زندانهای متعدد تبعید شد و در هر زندان افشاگر وضعیت وخیم زنان گشت. زنانی که اغلب برای انتقام از همسران و اقوام خود که علیه رژیم اسلامی فعالیت می کردند به گروگان گرفته شده بودند. گزارش هولناکی از اوضاع زنان در "سیاه چال بوشهر، جایی نزدیک آخر دنیا" تهیه کرد و از انواع آزار و تعرض جنسی به زنان توسط مقامات زندان پرده برداشت. در زندان ها شعر گفت و نقاشی کشید. هنگام یک مرخصی کوتاه نمایشنامه تک نفری نوشت و خود آنرا اجرا کرد.

انعکاس و تاثیر فریاد "خامنه ای ضحاک، می‌کشیمت زیر خاک" سپیده قلیان در فضای سیاسی ایران و در ششمین ماه حرکت انقلابی مردم فراتر از طاقت و تحمل رژیم اسلامی بود. سپیده قلیان را به زندان کوچک اوین بردند، نزد "سپیده کاشانی، نیلوفر بیانی، زهرا زمتابچی، بهاره هدایت، گلرخ ایرایی، ناهید تقوی و همه زندانیان سیاسی" که وی در همان اولین دقیق رد شدن از دیوار اوین خواهان آزادی آنها شده بود. رژیم اسلامی رفتنی است. زندانیان سیاسی تا پایان محکومیت شان در زندان نخواهند ماند. درب زندانها توسط مردم باز و زندانیان سیاسی آزاد خواهند شد.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونست
۲۶ اسفند ۱۴۰۱ - ۱۷ مارس ۲۰۲۳

امضا: سازمان اتحاد فدائیان کمونست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونست ایران، حزب کمونست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

آدرسهای تماس با حزب
کمونست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

پروین کابلی

parvin.kaboli@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

نشریه حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونست

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونست

کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال

آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و

دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!